

بررسی جامعه‌شناختی گفتار عامیانه در خرده فرهنگ جوانان

علی رجبلو،* زهرا علیخانی**

(تاریخ دریافت ۹۵/۰۴/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۵/۰۳/۰۵)

چکیده: بین زبان و جامعه ارتباط متقابل وجود دارد که در این فرایند ارتباطی، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی گروه‌های جامعه در زبان آن‌ها منعکس می‌شود؛ بنابراین زبان می‌تواند ابزاری برای شناخت این ویژگی‌های اجتماعی و خرده‌فرهنگی باشد. در این مقاله قصد بر این است که از طریق بررسی زبان عامیانه جوانان به مناسبات اجتماعی آنان با گفتمان مسلط جامعه و نهادهای اجتماعی، پی ببریم. بر این اساس هدف نهایی، بیان نقش و کارکرد گفتار عامیانه در خرده‌فرهنگ جوانان است. تبیین نظری پژوهش حاضر، بر مبنای نظریه کارناوال باختین و مناسبات زبان و قدرت در گفتمان فرکلاف، انجام شد و با استفاده از روش تحلیل گفتمان و الگوی تحلیلی فرکلاف، داده‌های مورد نظر تحلیل شدند. جامعه آماری، وبلاگ‌های شخصی (زندگی بلاگ) جوانان ۱۵-۲۹ سال و نوشته شده از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸، در نظر گرفته شد. نمونه‌گیری به روش نظری و هدفمند انجام شد. حجم نمونه با رسیدن به نقطه‌ی اشباع و تکرار در یافته‌ها، به ۳۰ متن وبلاگ رسید. روند تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش به این نتیجه رهنمون شد که گفتار عامیانه در خرده فرهنگ جوانان به گونه‌ای یکدست و مشابه به کار نمی‌رود. بلکه با توجه به فضای اجتماعی کاربرد آن، شکل‌های متفاوت می‌یابد؛ این زبان به‌عنوان زبانی کارناوالی، نظم مسلط، هنجارها و نهادهای اجتماعی آن را به چالش می‌کشد و با تمرکز بر لذتی کانالی، در برابر ارزش‌ها و

*. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه الزهرا

zahra1_alikhani@yahoo.com

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا

هنجارهای ایدئولوژیک مسلط به شکلی پنهان مقاومت می‌ورزد. این مقاومت با صبغهی کارناوالی خود، به گونه‌ای متفاوت در فضای فرهنگی پایین شهر و بالای شهر و در حوزه‌های ارزشی و ایدئولوژیکی متفاوتی از گفتار عامیانه، گفتمان مسلط، به منصفی ظهور می‌رسد.

واژگان کلیدی: خرده‌فرهنگ، کارناوال، گفتار عامیانه، گفتمان، مقاومت.

طرح مسئله

هر جامعه ارزش‌ها و هنجارهای کلی واصلی خود را در قالب یک فرهنگ رسمی ارائه می‌دهد که طی فرایند جامعه‌پذیری درونی شده و موردپذیرش اکثریت جامعه قرار می‌گیرد؛ البته تفاوت و تمایز گروه‌های اجتماعی موجب می‌شود که در کنار این فرهنگ رسمی، خرده‌فرهنگ‌های متنوع با ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت شکل بگیرند. یکی از مهم‌ترین این خرده‌فرهنگ‌ها، خرده‌فرهنگ جوانان است که در سه وجه شکل ظاهری، رفتار و زبان خاص، خود را از سایر خرده‌فرهنگ‌ها متمایز می‌کند. پژوهش حاضر بر وجه زبان خاص جوانان در فضای خرده‌فرهنگ متمرکز است. زبان پدیده‌ای اجتماعی است که ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی یک گروه یا خرده فرهنگ را بازنمایی می‌کند؛ بنابراین هر چه این گروه پویاتر باشد، زبان نیز با سرعت و گستره‌ی بیشتری تغییرات را در خود منعکس می‌نماید. از آنجاکه جوانان جزء پویاترین گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند، سریع‌تر از گروه‌های دیگر، تغییرات اجتماعی را می‌پذیرند و این تغییرات را در تمامی وجوه زندگی خود و به‌ویژه زبان نمایان می‌سازند.

زبان خاص جوانان را نوعی زبان خرده‌فرهنگی معرفی می‌کنیم. زیرا برای افراد خارج از آن، غیر آشنا است که ارتباط کلامی و معنایی را دشوار می‌کند. هم‌چنین جوانان متعلق به این آن، در جایگاه‌های رسمی و در حضور افراد خارج از خرده فرهنگ، این سبک زبانی را به کار نمی‌گیرند. این زبان خاص با نقض قواعد زبان رسمی جامعه و با به کارگرفتن واژگان و عبارت‌های ویژه و دگرگونه، به صورت گفتاری عامیانه^۱ هویتی مستقل پیدا می‌کند. فضای خرده فرهنگی، بار ارزشی و معنایی ویژه‌ای ای به این زبان می‌بخشد که مورد پذیرش تمامی افراد جوان جامعه نمی‌باشد، لذا تنها افرادی که متعلق به این خرده فرهنگ می‌باشند در گفتار روزمره خود از این سبک زبانی استفاده می‌کنند.

۱. Slang: معادل سازی مناسب برای واژه اسلنگ در زبان فارسی صورت نگرفته است و برخی از اساتید این حوزه، معادل زبان مخفی Argot (توسط مهدی سمایی در فرهنگ لغات مخفی) را به کار برده‌اند که به صورت کامل و جامع بیانگر این گونه گفتار نمی‌باشد و حوزه‌ی معنایی متفاوتی را دربر می‌گیرد. بنابراین جهت عدم کاربرد واژه لاتین اسلنگ، گفتار عامیانه جایگزین شده است.

گفتار عامیانه جوانان یکی از نشانه‌های پویایی زبان است که به عنوان گونه‌ای از زبان عامیانه، در کوتاه مدت، زبان گفتاری و در دراز مدت، زبان نوشتاری و رسمی جامعه را تغییر می‌دهد. این تغییر می‌تواند بازگو کننده‌ی سیر تحولات اجتماعی جامعه باشد که بر اثر ویژگی‌های خاص این گونه گفتار، در آن انعکاس می‌یابد.

تغییر پذیری سریع جوانان همراه با رشد رسانه‌های نوین ارتباطی و اینترنت، آنها را وارد حوزه جدیدی از تعاملات مجازی در فضای آزاد می‌نماید که در این میان وبلاگ‌های شخصی می‌تواند؛ بهترین عرصه‌ی بازنمایی خویشتن جوانان در واژه‌ها و کلامی خاص و خودمانی باشد. بر همین مبنا گفتار عامیانه در فضای وبلاگ‌های شخصی جوانان مورد بررسی واقع شد. ویژگی‌های زبانی و معنایی گفتار عامیانه موجب می‌شود که مورد تایید زبان معیار و رسمی جامعه نباشد. بنابراین گفتمان رسمی با نگاه آسیب شناسانه به این زبان، سعی در بهنجار سازی این نوع گفتار و طرد و کنارگذاری اجتماعی آن دسته از جوانانی را دارد که به این زبان صحبت می‌کنند. در قالب این زبان، تمایلات و نیازهای جوانی طوری بیان می‌شود که زبان رسمی قادر به بیان آن نیست. این زبان دریچه‌ای است به سوی دنیای نسل جوان امروز جامعه و باید دید که این گفتار پاسخگوی چه نیازی از آنها است؟ آیا این زبان را می‌توان همچون عرصه‌ای کارناوالی مطرح کرد که در آن هنجارها و نظم اجتماعی به چالش کشیده می‌شود؟ و آیا می‌توان گفتار عامیانه را، آگاهانه یا ناآگاهانه مقاومتی در مقابل گفتمان رسمی و نظم و هنجارهای آن محسوب کرد؟

در تحقیق حاضر، قصد بر این نیست که گفتار عامیانه را از دیدگاه آسیب شناسی به عنوان آسیبی زبانی و اجتماعی بررسی کنیم، بلکه این زبان را به عنوان واقعیتی اجتماعی در خرده فرهنگ جوانان مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

اهداف پژوهش

- ارزیابی نقش و کارکرد گفتار عامیانه در خرده فرهنگ جوانان و مناسبات آن با دیگر گفتمان‌ها.
- بررسی تاثیر فضای خرده فرهنگی جوانان بر گفتار عامیانه.

پرسش‌های پژوهش

سوال اصلی: کارکرد گفتار عامیانه در خرده فرهنگ جوانان به چه صورت است؟
سوالات فرعی: آیا می‌توان گفتار عامیانه را هم چون ابزاری برای مقاومت جوانان در برابر گفتمان رسمی و مسلط جامعه دانست؟

- آیا می‌توان گفتار عامیانه را به عنوان زبانی کارناوالی، در فضای خرده فرهنگی جوانان مطرح ساخت؟

ادبیات نظری پژوهش

از میان گروه‌های اجتماعی، جوانان متمایل‌ترین و مستعدترین گروه جهت خلق و کاربرد گفتار عامیانه می‌باشند. گفتار عامیانه عبارت است از: واژگان و عبارت‌های خودمانی، مبهم و رمزآمیز، غیر رسمی و غیر استاندارد که از کنار هم گذاشتن بدیع و هزل آمیز واژه‌ها و نمادها ساخته می‌شود. نسبت به گفتار محاوره‌ای روزمره کمتر دوام می‌آورد، موقتی و به سرعت در حال تغییر است و اغلب مرتبط با حوزه‌های تابویی جامعه است که در فضای خرده فرهنگی جوانان شکل می‌گیرد و به کار برده می‌شود (Eble, 1996:47, Rodman, 1988:276).

مفهوم خرده فرهنگ جوانان تا قبل از دهه ۱۹۶۰ چندان در محافل علمی رواج نداشت. اما امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحلیلی در نظریه پردازی راجع به گروه‌های جوانان در جوامع مختلف مطرح است.

خرده فرهنگ مفهومی در درون یک فرهنگ بزرگتر با سبک و هویتی متمایز می‌باشد که دارای علایق و منافعی متفاوت از فرهنگ مسلط است. در درون آنها نوآوری فرهنگی رخ می‌دهد، این ایده‌ها به محض پذیرش عمومی در جامعه رواج یافته و بخشی از فرهنگ جامعه می‌شود. (اسکندری، ۱۳۸۳: ۱۵).

خرده فرهنگ‌های جوانان و به طور کلی فرهنگ‌های غیر رسمی، امکانات و فرصت‌های جدیدی در اختیار فرهنگ غالب برای تحقق یک نوع تحول فرهنگی تدریجی قرار می‌دهند که از این نظر می‌توانند دماسنج تحولات آینده محسوب شوند.

"بریک" یکی از صورت‌های فرهنگی مشترک در خرده فرهنگ را سبکی می‌داند که میزان تعهد و پایبندی و عضویت در آن را نمایان می‌سازد. این سبک متشکل از سه عنصر زیر است:

الف- تصور ظاهر: متشکل از لباس، اشیاء اضافی، سبک مو، جواهرات و اشیاء قیمتی

ب- طرز حرکت و رفتار: شامل قیافه، نحوه راه رفتن، ژست و در کل نوع و نحوه پوشش

کنشگران

ج- زبان خاص: شامل واژه‌های خاص و نحوه بیان آنها (ذکایی، ۱۳۸۴: ۶-۵)

در کل می‌توان گفت خرده فرهنگ‌ها شامل: همه‌ی انواع سبک‌های زندگی جمعی می‌شوند؛ چه سبک‌های زندگی همخوان، متنوع یا حتی متناقض، چه سبک‌های زندگی آگاهانه یا ناخودآگاه، تعمدی یا غیر عمدی، آشکار یا مخفی، کوچک یا بزرگ، حاشیه‌ای یا در متن، محکوم یا مسلط، شورشی یا رام شده، مترقی یا مرتجع، جوان محور یا بزرگسالانه (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳: ۱۸).

نظریه‌های بیان شده در حوزه‌ی خرده فرهنگ جوانان بسیار است که با توجه به هدف تحقیق در راستای گفتمان مقاومت خرده فرهنگی، "نظریه دیک هبداچ" در مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگهام مطرح می‌گردد.

دیک هبداچ به عنوان یکی از نظریه‌پردازان خرده فرهنگی مکتب بیرمنگهام معتقد است که خرده فرهنگ‌ها اشکال بیانی هستند. ولی آنچه بیان می‌کنند، در مرحله‌ی نهایی، تنش بنیادی است؛ ما بین آنهایی که در قدرت هستند و آن کسانی که محکوم به مواضع زیر دست و زندگی‌های درجه دوم‌اند. این تنش به صورت مجازی و هنری، در شکل سبک خرده فرهنگی بیان می‌شود (Hebdige, 1979: 132).

وی می‌گوید: خرده فرهنگ‌ها تضاد بین نسل‌ها یا مناسک گذار نیستند؛ بلکه ناشی از تجربیات افرادی می‌باشند که با عضویت در این گروه‌ها به صورت مادی و در قالب نمادین بروز پیدا می‌کنند. آنها با نمادها تعیین می‌کنند که چه کسانی هستند و از آنها به عنوان نمایی برای بیمار نشان دادن مسائل معاصر استفاده می‌شود.

خرده فرهنگ‌ها، هویت و ارزش‌های محوری خود را در قالب گفتمان بیان می‌کنند. گفتمان آنها به صورت نمادین و عینی است، آنها به ارائه‌ی معنا می‌پردازند و نه اینکه این معانی چه می‌گویند. آنها از طریق سبک خرده فرهنگی، هویتی متفاوت را به دیگران نشان می‌دهند و نظم اجتماعی مسلط را به چالش می‌کشند. البته باید بین مقاومت بودن یک سبک و یا تجاری بودن آن تفاوت قائل شد، اما تشخیص این امر کار دشواری است به همین دلیل هبداچ از اصطلاح هژمونی (با توجه به نظرات گرامشی) برای بیان فرهنگ تجاری، استفاده می‌نماید (همان: ۱۲۶-۱۰۰).

در کل، اهمیت نظریه‌ی گرامشی برای خرده فرهنگ‌گرایان جدید در این امر نهفته است که نظریه‌ی مزبور، نهادهای فرهنگی و روابط تولید فرهنگی را در جریان مبارزه‌ی سیاسی، امری اساسی و مرکزی به شمار می‌آورد. گرامشی معتقد بود که هم در داخل فرهنگ غالب و فرادست و هم در داخل فرهنگ مغلوب و فرودست، مجموعه‌هایی از مقاومت‌ها و مخالفت‌ها ممکن است؛ وجود داشته باشد و طبقه‌ی حاکم برای حفظ هژمونی خود باید پیوسته تلاش کند. در بحث از مفهوم امروزی بحران اقتدار (که در قالب فقدان هژمونی طبقات حاکم و در نتیجه‌ی توسل آنها به قوه‌ی زور و اجبار جلوه‌گر می‌شود)، گرامشی مستقیماً به نسل جوان اشاره می‌کند در قالب مقاومت، جایگاه‌های خاص را اشغال می‌کنند. (پیلکینگتون، ۱۳۸۰: ۴۵).

در نهایت از نظر هبداچ، پاسخ خرده فرهنگی نه صرفاً تایید است و نه رد کردن، نه بهره‌برداری تجاری است و نه شورش واقعی... خرده فرهنگ هم نوعی اعلام استقلال و بی‌طرفی است و هم رد ناشناس بودن و تابع و پذیرا بودن. خرده فرهنگ به تابعیت درآوردن است و همزمان؛ تاییدی بر

واقعیت بی‌قدرتی، جشنی برای ناتوانی است. خرده فرهنگ‌ها هم بازی‌ای برای جلب و هم هنگامی که توجه جلب شد، رد آن هستند (ذکایی، ۱۳۸۶: ۵۴).

زبان خرده فرهنگی در فضای مجازی وبلاگ

همانطور که بیان شد، یکی از مولفه‌های خرده فرهنگ جوانان به کار بردن عبارات و واژگان خاص می‌باشد. فالک بیان می‌کند که جوانان مستعدترین گروه جهت خلق و کاربرد زبان خاص می‌باشند. آنها پویایی اجتماعی زیادی دارند و به سرعت تغییرات در مد، پوشاک، ظاهر و قیافه، سبک زندگی و در گفتار را می‌پذیرند، به خصوص که رسانه‌های گروهی و از جمله اینترنت روند اشاعه آنها را بسیار سریع کرده است. جوانان که ماهرترین و مداوم‌ترین کاربران رسانه‌های دیجیتال هستند؛ با ارتباط از طریق وبلاگ، چت روم و... به ایجاد و اشاعه‌ی زبان خاص خود می‌پردازند (Falk:2007).

وبلاگ از دو جزء وب و لاگ تشکیل شده است و به معنای به اشتراک گذاشتن وب است؛ صفحاتی که کاربران اینترنتی در آن خود را به اشتراک می‌گذارند. وبلاگ به عنوان نوع جدیدی از تعامل اجتماعی، محیطی برای نمایش خود می‌باشد؛ رسانه‌ای که در آن ذهنیت‌ها به آسانی و بدون هیچ‌گونه واسطه‌ای به داده‌ها تبدیل می‌شود؛ صفحه‌ی وب، یک فضای با هویت و فضای ابراز است که فرد با مشخصه‌هایی خود را ابراز می‌کند و در تعامل گسترده با علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. وبلاگ در جایگاه خانه‌ای هویت‌بخش و تجسم‌بخش، مکانی است که در آن، افراد آزادانه، خود، نیازها، تمایلات و ارزش‌هایشان را انعکاس می‌دهند (فرمهبینی، ۱۳۸۷: ۵۵). نویسنده از این طریق به بازنمایی خود در واژه‌ها و کلامی که می‌نویسد؛ می‌پردازد و این بازنمایی می‌تواند معرف فرد و جامعه‌ای باشد که در آن زندگی می‌کند. وبلاگ‌های شخصی روزانه و یا به عبارتی زندگی بلاگ، توسط یک نویسنده خلق شده و در آن وبلاگ نویس انواع اطلاعات شخصی و تجربیات خود را با مخاطبین به اشتراک می‌گذارد. وبلاگ فضای تعاملی ایجاد می‌کند که در آن احتمال حذف و سانسور گفته‌ها و دیدگاه‌ها بر اثر گمنام و ناشناخته بودن افراد بسیار کم است. امکان دسترسی به فضاهای متنوع غیررسمی و حتی تابو را فراهم می‌نماید و همچنین در این فضا می‌توان به جدیدترین واژگان و عبارات‌های مربوط به گفتار عامیانه دست یافت.

۱- باختین و امر کارناوالی

آثار نظریه‌پرداز ادبی روس، میخائیل میخائیلویچ باختین، امروزه در حوزه‌های نظریه و نقادی ادبی، در زبان‌شناسی، نظریه‌ی سیاسی- اجتماعی، فلسفه و بسیاری دیگر از رشته‌ها، تاثیرگذاری فوق العاده‌ای داشته است. دیدگاه وی در مورد زبان و امر کارناوالی می‌تواند تبیین‌گر گفتار عامیانه در فضای خرده فرهنگی قرار گیرد. از نظر باختین، زبان با مد نظر داشتن بعد اجتماعی آن، پیوسته در

کار بازتاب دادن و دگرگون ساختن علایق طبقاتی، نهادینه، ملی و گروهی است. از این منظر، هیچ واژه یا گفته‌ای هرگز خنثی نیست. اگرچه معنای گفته‌ها می‌تواند یکه باشد؛ این گفته‌ها خود از الگوهای معنایی از پیش مقرر ناشی می‌شوند که مخاطب شونده‌ها می‌تواند تشخیص آنها را داشته و مخاطب کنندگان، خود را با آنها وفق می‌دهند. اما این الگوهای مقرر، الگوهای انتزاعی لانگ سوسور نبوده، بلکه نشانگر شیوه‌ای هستند که زبان از آن طریق منعکس کننده‌ی ارزش‌ها و اوضاع دائماً متغیر اجتماعی می‌شود (آلن، ۱۳۸۰: ۲۹).

معنا تا آنجا که به تعامل زبانشناسانه افراد در زمینه‌های اجتماعی خاص تعلق دارد، چیزی یکه است، تا اندازه‌ای، همین یکتایی یا نیروی بالقوه‌ی نامحدود زبان گفتاری بود که سوسور را بر آن داشت تا تحلیل خود از زبان را بر لانگ متمرکز کرده و از پارول و لانگاژ^۱ صرف نظر کند. باختین لانگاژ را که اصطلاحی برگرفته از سوسور است، به عنوان زبان-گفتاری مطرح می‌کند که برابند کلی همه‌ی ابزارات قوه‌ی کلامی است. اگرچه پارول متوجه عمل گفتن است، لانگاژ همه‌ی پارول‌های قابل تصویری را مورد توجه قرار می‌دهد که می‌توانند از نظام زبان نشات گیرند (همان: ۲۰).

هر گفتار دو وجه دارد: آن وجهی که از زبان ناشی می‌شود و مکرر است و آن وجهی که از بافت و زمینه‌ی گزاره ناشی می‌شود و منحصر به فرد است. گفتار هرگز بازتاب ساده و بیان چیزی که از قبل وجود داشته و آماده شده باشد؛ نیست. گفتار همواره آنچه را می‌آفریند که پیش‌تر وجود نداشته است، چیزی که کاملاً جدید و نامکرر است.

چندگونی کلامی امری طبیعی است زیرا از تنوع اجتماعی برمی‌خیزد. اما همان‌طور که جامعه با قوانین تحمیل شده‌ی حکومتی، محدود و مفید می‌شود؛ تنوع سخن‌ها نیز توسط خواست قدرتمندان برای نهادی کردن یک زبان متداول، به مبارزه طلبیده می‌شود (تودوروف، ۱۳۷۷: ۱۱۷-۱۰۲).

بنابراین جدال میان دو نیروی مرکزگرا که می‌خواهند همه چیز را بهم وصل کنند و مرکز‌گریز که می‌خواهند همه چیز را از هم جدا سازند. در زبان انعکاس می‌یابد. دو گرایش مرکز‌گریز و مرکز‌گرای زبان، از نیروی برابر برخوردار نیستند. هر کدام دارای واقعیت‌های خاص خود می‌باشند. نیروهای مرکز‌گریز آشکارا قویتر و فراگیرتر هستند. واقعیت نیروهای مرکز‌گریز همان واقعیت بین کلامی است. این نیروها تعیین کننده‌ی شیوه‌ای هستند. که ما عملاً در زندگی روزمره، زبان را تجربه می‌کنیم و به کار می‌بریم. نیروهای وحدت‌بخش یا مرکزگرا دارای توان کمتری هستند، زبان در لحظه لحظه حیات خود با واقعیت‌های چند معنایی^۲ مواجه است (عزبدفتری، ۱۳۸۰: ۳۸).

-
1. Langage
 2. Heteroglossia

نیروهای مرکزگریز، زبان را از محور واحد و یکدست خارج می‌کنند، ولیکن نیروهای مرکزگرا در برابر آنها مقاومت می‌کنند و می‌کوشند. با ایجاد مرزهای مشخص در حریم تجربه زبانی (ادراک و کاربرد آن) مانع بروز آشفتگی بالقوه شده، هویت زبان را حفظ کنند و تفاهم متقابل میان گوینده و مخاطب را فراهم سازند (همان: ۳۹).

در هر زبان ملی رسمی، همواره شماری از زبان‌های اجتماعی و ژانرهای گفتاری روزمره، از جمله اشکال شفاهی یا ژورنالیستی، زبان بازار، زبان جوانان و... وجود دارد. این زبان‌ها دارای طیف‌های متفاوتی از اهداف، لهجه‌ها و ارزیابی‌های اجتماعی هستند. آنها از جهان روزمره برمی‌خیزند و با یکدیگر درگیر می‌شوند و الگوهای خاصی از کنش را به آگاهی انسانی وارد می‌کنند و به شیوه‌ی گفتگویی، همزیستی می‌کنند و با هم ارتباط برقرار می‌سازند (تودوروف، ۱۳۷۷: ۵۲-۵۱).

زبان متداول و رسمی، اشکال گفتگویی فاخر را که خاص نخبگان آموزش یافته می‌باشد؛ را سرمشق خود قرار داده است و خود را در تقابل با گفتار روزمره تعریف کرده است. یعنی شیوه‌هایی از گفتار که در خیابان، بازار و میادین عمومی رواج دارد. مقامات رسمی می‌کوشند تا بر این زبان‌های چندگونه، نظمی ثابت بخشند و با استناد به سبکی معیار، این زبان‌ها را تابع آن سازند تا کیفیت "از حیث اجتماعی فروبسته گروه ممتاز" را حفظ کنند و مرز میان استفاده‌ی زبان مشروع از نامشروع را استحکام بخشند (گاردینر، ۱۳۸۱: ۵۱).

باختین معتقد است که تلاش‌ها برای وحدت بخشیدن به جهان لفظی-ایدئولوژیک، هرگز به‌طور کامل موفقیت آمیز نبوده است. گرایش تمرکزگرا به سوی انسجام را فرایندهای مرکزگریز کمابیش قدرتمندی برهم می‌زنند. فرایند مرکزگریز - که باختین آن را با ژانرهای «مردمی-جشنی»^۱ مردم معمولی یکی می‌انگارد- ادامه می‌یابد؛ تا از درون واژگونی و وحدت‌زدایی نظام زبانی که رسماً تضمین شده است، استمرار یابد. به‌طور کلی او جهان اجتماعی را صحنه نبرد بی‌پایانی می‌داند که میان نیروهای رسمی که طالب ایستایی و جمود هستند و انگیزش‌های غیررسمی که طالب جنبش، تغییر و تکثرند، جریان دارد (همان: ۵۱).

وی نیروهای غیررسمی را با فرهنگ عامیانه یا «مردمی-جشنی» و عنصر همیشه زنده‌ی گفتار غیررسمی یکی می‌داند که در کارناوال تجلی پیدا می‌کند. کارناوال در سده‌ی میانه دو معنا داشت :

۱- جشن‌های خیابانی که گاه چند شبانه روز به درازا می‌کشید

۲- نمایش‌های خیابانی که در آنها فاصله‌ی میان بازیگر و تماشاگر از میان می‌رفت؛ شکل هنری خاص، در نمایش محسوب نمی‌شد بلکه شکل مشخص و موقتی زندگی بود (احمدی، ۱۳۷۲: ۱۰۷).

سنت‌های کارناوالی کهن؛ هم‌چون نیروی مرکزگریزی در کار ارتقاء بخشیدن به ابعاد غیررسمی جامعه و حیات انسانی بوده و این کار را از راه کاربرد "زبان موهن" و نمایش قشر اجتماعی پست‌تر، صورت می‌دادند. انگاره‌هایی از بدن‌های هیولایی، شکم‌های برآمده، هرزگی‌ها، بی‌بندوباری‌ها، همگی انگاره‌هایی کارناوال وارهاوند. کارناوال از رهگذر چنین انگاره‌هایی، بدنه‌ی جمعی و غیررسمی مردم را مورد تجلیل قرار داده و در برابر ایدئولوژی‌های رسمی و گفتمان قدرت مذهبی و دولتی می‌ایستد. صریح‌ترین نمود کارناوال‌وارگی‌ها را می‌توان در تعطیلات و اعیاد قرون وسطایی و رنسانس ملاحظه کرد که در آن هنگام، نظم مسلط جامعه ملغی شده، مجانبین جامه‌ی اشراف به تن می‌کنند؛ اشراف به جامعه‌ی مجانبین درمی‌آیند و... (آلن، بینامتنیت، ۱۳۸۶: ۳۴).

کارناوال امر مقدس و امر دنیوی، سطح بالا و سطح پایین، امر بزرگ و امر کوچک و عاقل و احمق را گرد هم می‌آورد و وحدت می‌بخشد و ترکیب می‌کند و با انجام چنین کاری بر اجتناب‌ناپذیری تغییر و دگرگونی تاکید می‌کند (گاردینر، ۱۳۸۶: ۵۶-۵۵).

اولین مشخصه‌ای که در کارناوال به چشم می‌خورد، ساختار منظم و هرم‌وار آن است. فاصله‌ی میان مردم که در اثر ساختارهای هرم گونه‌ی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی پدید آمده؛ از بین می‌رود و تماس آزاد مردم در میدان شهر ممکن می‌شود.

مشخصه‌ی دوم اینکه نوع جدیدی از ارتباط میان مردم پدید می‌آید که در ساختارهای مرسوم اجتماعی، مجال بروز نمی‌یابند. هیچ فرد یا اندیشه‌ای در مرکز قرار نمی‌گیرد و همه‌ی اندیشه‌ها و گفتمان‌های در حاشیه، حضوری فعال و شاد می‌یابند.

مشخصه‌ی سوم اینکه همه چیز در دسترس مردم قرار می‌گیرند. مقدس‌ترین و مقتدرترین امور با دنیایی‌ترین و مردمی‌ترین مسائل هم‌نشین می‌شوند و هیچ اندیشه یا فردی در هاله‌ای از تقدس یا اقتدار باقی نمی‌ماند.

چهارمین مشخصه کارناوال، رکیک‌سازی^۱ است. هر آنچه در ساختار اجتماعی- فرهنگی، جایگاه نهفته با آشکاری دارد؛ بدون ذره‌ای مزیت و برتری اما شاد و سرزنده در کارناوال حضور می‌یابد. کارناوال تنها غبار رومی ارزش‌ها، اندیشه‌ها و نهادها نیست، بلکه محل برخورد سرزنده و آزاد گفتمان‌ها و نهادها نیز است (خانیک، ۱۳۸۱: ۱۳۲).

مهم‌ترین ویژگی کارناوال، خنده است. اما این خنده فقط طنزآلود یا هجوآمیز نیست. خنده‌ی کارناوالی موضوعی ندارد. این خنده دوسویه^۲ است. نه امری خصوصی و نه کاری است که ویژگی آن مخالفت باشد. رویدادی نیست که به‌طور رسمی مجاز دانسته شده باشد یا صرفاً مربوط به زمان

-
1. Profanation
 2. Ambivalence

تعطیلی باشد. کارناوال جشنی نیست که نظام رایج زندگی روزمره را با سلسله مراتب قدرت آن و تضاد چشمگیری میان دارا و ندار، تقویت کند. محصول نظام رسمی نیست و عبارت از مردم است، امری صرفاً منفی نیست، هیچ انگیزه‌ی فایده‌گرایانه‌ای ندارد. امری دوسویه است. (لچت، ۱۳۷۷: ۱۸).
خنده‌ی کارناوال متوجه خود کسانی است که می‌خندند، افراد آن هم سوژه (فاعل) خنده و هم ابژه‌ی (موضوع) آن هستند. این خنده فراگیر است و برخوردار از بنیانی فلسفی، هم مرگ را دربرمی‌گیرد و هم زندگی را.

اما باختین می‌گوید با پیدایش عصر مدرن، خنده تا حد یکی از ژانرهای نازل تقلیل یافته است؛ از سوی دیگر کارناوال خود نازل بودن را نیز دربرمی‌گیرد، خفت کشیدن، خوار شدن، بدن و تمامی کارکردهای آن، همگی اجزاء ضروری تجربه‌ی دوسویه‌ی کارناوال‌اند. پس بدن جزیی از این دوسویگی است، بدن امری در خود بسته و خصوصی نیست بلکه بر روی جهان گشوده است. به همین سان همجواری زهدان و گور سرکوب نمی‌شود بلکه مانند تولید مثل، ستایش می‌شود (همان: ۱۹-۱۸).

گفتمان^۱

با توجه به مبنا قرار دادن نظریه‌ی باختین و فرکلاف به عنوان نظریه‌های تبیین‌کننده‌ی پژوهش، مفهوم گفتمان در دیدگاه آنها بیان می‌گردد.

کاربرد مفهوم گفتمان نزد باختین معانی متعددی دارد. گفتمان در نظر وی به عنوان شیوه‌ی کاربرد کلمات و بیانگر نوعی اقتدار است. «لذا گفتمان اقتدارگرا، زبان ممتازی می‌باشد که از مواضع برتر با ما برخورد می‌کند. این گفتمان نوعی حریم تابویی برای خود ایجاد کرده است که امکان هیچ گونه برخورد یا نزدیک شدن به آن و یا دست اندازی به چارچوب‌های سازنده‌ی آن وجود ندارد». هم چنین باختین «گفتمان را به مثابه‌ی زبان در کلیت ملموس، عینی و زنده‌ی آن در نظر می‌گیرد و به گفتمان به مثابه‌ی جریانی دو وجهی یا دو طرفه می‌نگرد که در وضعیت کنش متقابل محاوره‌ای ایجاد می‌شود» (باختین، ۱۹۸۱، به نقل از مک دانل، ۱۳۸۰: ۴۱-۴۰)

از نظر فرکلاف، گفتمان عرصه‌ی ظهور و بازتولید قدرت و در عین حال مقاومت در مقابل آن است. هم چنین گفتمان در منظومه‌ی تعاملات گفتمانی و در رابطه‌ی پیچیده با شرایط اجتماعی و سیاسی قابل فهم و تحلیل است (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۸-۱۷).

نورمن فرکلاف و گفتمان مقاومت

در دیدگاه فرکلاف، گفتمان شیوه گفتاری است که از زاویه دیدی خاص به تجربیات ما معنا می‌دهد، مانند: گفتمان مارکسیستی، گفتمان مصرف‌گرایی. برخلاف فوکو که روابط قدرت را متقارن و فراگیری‌داند که همزمان هم بر فرماندار و هم بر فرمانبردار مسلط است؛ از نظر فرکلاف روابط قدرت نامتقارن، نابرابر و سلطه‌آور است و از آن جا که ایدئولوژی توجیه‌کننده سلطه و روابط نابرابر قدرت است، وی به ایدئولوژی روی می‌آورد. فرکلاف ایدئولوژی را ساخت‌های معنایی می‌داند که در تولید، بازتولید و تغییر روابط قدرت نقش دارند. از آن جا که معنا در خدمت قدرت است؛ در فهم ایدئولوژی اهمیت زیادی دارد.

ایدئولوژی به واسطه معنا با گفتمان و زبان که ابزار تولید معنا هستند؛ پیوند می‌خورد و از این طریق، گفتمان‌ها بار ایدئولوژیک می‌یابند و در حفظ و تغییر روابط نابرابر قدرت سهیم می‌شوند. او بین گفتمان‌های ایدئولوژیک که روابط نابرابر را حفظ می‌کنند و گفتمان‌های غیر ایدئولوژیک که روابط نابرابر قدرت را نمی‌پذیرند؛ تمایز قایل می‌شود. زیرا مردم ممکن است در وضعیتی میان چند ایدئولوژی رقیب قرار گیرند که منجر به شک و عدم قطعیت می‌شود. پیامد این عدم قطعیت هشیاری نسبت به تاثیرات ایدئولوژیک است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۶۳-۶۲).

در دیدگاه وی؛ دانش زمینه‌ای است که دربرگیرنده بازنمودهای ایدئولوژیک طبیعی شده است. یعنی آن دسته از بازنمودهای ایدئولوژیک که اندک به صورت عقل سلیم غیرایدئولوژیک به نظر می‌آیند و جنبه‌های مختلف اطلاعات زمینه‌ای را که در تعامل بر اساس آنها عمل می‌شود - باورها، ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها - به دانش تبدیل می‌کنند.

نهاده‌ها به عنوان نظم‌های ایدئولوژیک و گفتمانی، مجموعه‌ای از هنجارهای ایدئولوژیک را در اختیار دارند. یک "صورتبندی ایدئولوژیک-گفتمانی" اگر در یک نهاد سلطه داشته باشد؛ هنجارهای آن صورتبندی ایدئولوژیک-گفتمانی، هنجارهایی عمیقاً طبیعی شده و ایدئولوژیک تلقی می‌شوند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۶، ۵۴-۵۳)

"رویداد ارتباطی" و "نظم گفتمانی" دو جنبه‌ی تحلیل در چارچوب نظریه فرکلاف است. رویداد ارتباطی نمونه‌ای از کاربرد زبان است؛ مثل: یک سخنرانی سیاسی. نظم گفتمانی به ترکیب بندی گونه‌های گفتمانی^۱ در یک نهاد اجتماعی یا یک حوزه‌ی اجتماعی بازمی‌گردد. در درون یک نظم گفتمانی، کردارهای گفتمانی ویژه‌ای وجود دارند که به واسطه آنها متن و گفتار، تولید، مصرف و تعبیر می‌شوند (فرکلاف، ۱۹۸۸: ۱۴۵).

بنابراین تحلیل انتقادی گفتمان در چارچوب تحلیلی فرکلاف، مجموعه‌ای به هم بافته‌ای از سه عنصر کردار اجتماعی، کردار گفتمانی که شامل تولید، توزیع و مصرف متن می‌شود- و متن است. تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هر یک از این سه بعد و روابط میان آنها را طلب می‌کند. فرض ما این است که پیوندی معنادار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر می‌شوند و ماهیت کردار اجتماعی وجود دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷-۹۸).

متن: تحلیل متن در واقع تحلیل ساخت‌های زبانی و ویژگی‌های صوری متن است « متون فضاهای اجتماعی‌اند که در آنها دو فرایند اجتماعی بنیادین به طور همزمان روی می‌دهند، شناخت و بازنمایی جهان و تعامل اجتماعی؛ بنابراین نگاهی چند نقشی به متن ضروری است» (فرکلاف، ۱۹۹۵: الف، ۶).

نگاه چند نقشی به متن و زبان، ادعای فوکو مبنی بر اینکه متن و گفتمان به اجتماع ساخت می‌دهند را به صورت عملی نشان می‌دهد « متون در نقش اندیشگانی‌اشان، نظام‌های باور و دانش را می‌سازند؛ در نقش بینا فردی‌اشان سوژه‌های اجتماعی (هویت‌ها و اشکال خود) و روابط اجتماعی میان سوژه‌ها را می‌سازند» (همان). در واقع هدف نهایی تحلیل متن، توصیف ساخت‌های زبانی است تا نشان داده شود که چگونه این ساخت‌ها تحت تاثیرات ایدئولوژیک ساخت‌های کلان اجتماعی هستند و بدان طریق به بازتولید آنها می‌پردازند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۶۶).

کردار گفتمانی: کردار گفتمانی حد واسط میان متن و کردار اجتماعی است و با استفاده از آن، مردم از زبان برای تولید و مصرف متن بهره می‌گیرند و بدین طریق متن به کردار اجتماعی شکل می‌دهد و هم چنین از آن شکل می‌گیرد. تولید کنندگان و مصرف کنندگان متن در هر رویداد گفتمانی، از منابع اجتماعی در دسترسی که نظم گفتمان را شکل می‌دهند، بهره می‌گیرند. رویداد گفتمانی ملموس‌ترین شکل کاربرد زبان است که مثلاً اشاره به یک سرمقاله‌ی خاص در یک روزنامه‌ی خاص در تاریخی خاص دارد. اما کردار گفتمانی به قواعد و ویژگی‌های عام سرمقاله‌ها و جایگاهشان در نظم گفتمانی رسانه‌ای توجه دارد که انتزاعی‌ترین سطح گفتمان را شکل می‌دهد (همان: ۶۶-۶۷).

یکی از مفاهیم مهم در حوزه‌ی کردار گفتمانی مفهوم بینامتنیت^۱ است. تحلیل بینامتنی بر مرز میان متن و کردار گفتمانی متمرکز است. تحلیل بینامتنی از زاویه‌ی کردار گفتمانی به متن می‌نگرد و در پی آثار کردار گفتمانی بر متن است؛ بینامتنیت نشان دهنده‌ی آن است که همه‌ی رویدادهای ارتباطی به نوعی به رویدادهای پیشین مربوط‌اند و از آنها بهره می‌گیرند بنابراین هیچ متنی را نمی‌توان به تنهایی و بدون اتکا به متون دیگر فهمید.

1. Intertextuality

کردار اجتماعی: تحلیل این جنبه از کردار گفتمانی در قالب تحلیل جنبه‌های اقتصادی-سیاسی و فرهنگی یک رویداد ارتباطی صورت می‌گیرد. تحلیل جنبه‌های سیاسی-اقتصادی و فرهنگی یعنی تحلیل کردار اجتماعی در چارچوب الگوی فرکلاف، هرگز مجزای از متن و کردارهای گفتمانی صورت نمی‌گیرد، بلکه این سه جنبه به هم مرتبط هستند و باید به هنگام تحلیل، این ارتباط را در نظر گرفت.

چارچوب نظری

نظریه‌های تبیین کننده ما را به سمت ترسیم چارچوبی تئوریک برای موقعیت گفتار عامیانه در خرده فرهنگ جوانان هدایت می‌کنند. به طور کلی نظریه‌های تبیین‌گر، ارجاع به صورتبندی گفتمانی مسلطی دارد که به عنوان گفتمان دارای قدرت و حقیقت، نظم طبیعی شده و جهانشمول را در قالب متون دینی، حقوقی، عرفی و اخلاقی از طریق نهادهای اجتماعی و مراجع دارای صلاحیت بیان خود، به جامعه القاء می‌کند و زبان متداول و رسمی ابزار این تک‌گویی و تمرکزگرایی قرار می‌گیرد که با ایجاد انسجام و مرزهای مشخص در حریم تجربه‌ی زبانی، سعی در حفظ هویت زبان دارد تا از این طریق، تفاهم بین گوینده و خواننده را فراهم سازد و مانع بروز چندمعنایی و ناهمسازه گردد. اما خرده فرهنگ جوانان به عنوان نیرویی مرکزگریز و هم‌چنین در قالب زبانی سلطه‌گریز، با ایجاد شکاف و گسست در روند استمرار و تداوم گفتمان مسلط، این نظم طبیعی را برهم می‌زند. گفتار عامیانه در خرده فرهنگ جوانان، ساحتی در نظر گرفته می‌شود که در آن ارزش‌های جوانان به طور فعال بر ساخته می‌شود و از طریق روابط بین‌الذهانی در زیست جهان مشترک خرده فرهنگی، به خلق معانی و ارزش‌هایی می‌پردازند که با گسست از گفتمان مسلط صبغ‌ی کارناوالی می‌یابد. از آن رو که در آن هنجارها و نظم مسلط به چالش کشیده می‌شود و ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهد. تابوهای دینی، جنسیتی، سیاسی موجود در جامعه و ایدئولوژی حاکم، در آن شکسته می‌شود و در دسترس همگان قرار می‌گیرد. در این کارناوال زبانی، مقدس‌ترین و مقتدرترین امور در کنار دنیایی‌ترین و نازل‌ترین سطوح زندگی دنیوی و جسم‌مند روزمره قرار می‌گیرند؛ امر نامقدس به امر مقدس راه می‌یابد و آن را به چالش و استهزاء می‌کشاند. این کارناوال زبانی با واژگانی رکیک، هجوآمیز، گستاخ و بی‌پرده از مرزهای اخلاقی و هنجاری جامعه می‌گذرد و با رهایی از هر چیزی که نهی شده و تحمیل گردیده، در برابر گفتمان مسلط و زبان سلطه‌گرایی آن می‌ایستد. در کارناوال گفتار عامیانه، آگاهانه یا ناآگاهانه قدرت آشکار نیروی مرکزگرا و همه‌ی قدرت‌های پنهان در لایه‌های اجتماعی- فرهنگی جامعه مورد مقاومت قرار می‌گیرد و فرصتی را برای حضور، بودن، تعامل و برساختن ارزش‌های گروه‌های در حاشیه قرار گرفته، فراهم می‌کند. خنده و لذت حاصل از این حضور و مقاومت، متوجه خود کسانی است که می‌خندند. یعنی

جوانان خود هم سوژه‌ی خنده و هم ابژه‌ی آن هستند. این خنده و لذت با فراگیر بودن خود، هم زندگی و هم مرگ، هم نظم و هم بی‌نظمی، هم هنجار و هم ضد‌هنجار را دربر می‌گیرد. این لذت در قالب زبان کارناوالی گفتار عامیانه بیان می‌شود و با ورود به حوزه‌های تابویی و غیرمجاز گفتمان مسلط، در برابر اخلاق گرایبی و حقیقی پنداشتن گزاره‌های گفتمان مسلط مقاومت می‌ورزد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق

با توجه به تمرکز تحقیق حاضر بر مناسبات بین قدرت و گفتار عامیانه، روش تحقیق، با استفاده از الگوی نورمن فرکلاف در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان قرار گرفت. در رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان، زبان به عنوان رسانه‌ای شفاف که حقایق ثابت و از پیش تعیین شده را بنمایاند، نیست. این رویکرد مطالعات خود را از بافت متن و موقعیت‌ها گسترش می‌دهد و گفتمان را در گستره‌ای وسیع‌تر هم چون نهادهای رسمی و صاحب قدرت و ایدئولوژی‌های پنهان در پس این سازمان‌ها به عنوان عوامل یا عامل تشکیل دهنده‌ی زبان و متن و زبان را شکل دهنده‌ی ایدئولوژی‌ها می‌انگارد (فرکلاف، ۱۹۹۲ به نقل از آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۶۵). تحلیل انتقادی گفتمان در درجه‌ی اول، قدرت، تسلط، برتری و نابرابری را بررسی می‌کند که در جامعه وضع شده، بازتولید شده و حتی در همان جامعه نیز مورد مقاومت قرار گرفته است. موضع آشکار تحلیل انتقادی در جهت مقاومت در برابر نابرابری‌های اجتماعی است.

جامعه‌ی آماری

وبلاگ‌های شخصی جوانان فارسی زبان در دنیای مجازی اینترنت، به عنوان جامعه‌ی آماری در نظر گرفته شد؛ این وبلاگ‌های شخصی روزانه و یا به عبارتی زندگی بلاگ، توسط یک نویسنده خلق شده و در آن وبلاگ نویس انواع اطلاعات شخصی و تجربیات خود را با مخاطبین به اشتراک می‌گذارد. مزیت انتخاب وبلاگ به عنوان جامعه‌ی آماری تحقیق عبارت است از:
۱- احتمال بسیار کم حذف و سانسور در فضای اجتماعی وبلاگ، به این دلیل که افراد می‌توانند گمنام و ناشناخته بمانند. ۲- دسترسی به فضاهای متنوع غیررسمی و حتی تابو که در آن حوزه‌ها امکان استفاده از سبک گفتاری گفتار عامیانه بیشتر است. ۳- دسترسی به جدیدترین واژگان و عبارت‌های مربوط به گفتار عامیانه.

در این پژوهش وبلاگ‌های مبتنی بر متن مورد توجه بوده‌اند و انواع دیگری از وبلاگ‌های تصویری، صوتی و ... مقصود نظر نمی‌باشند. قرارگیری متن وبلاگ بر اساس اولویت آخرین نوشته‌ها است که با توجه به قید زمانی مشخص جهت انتخاب وبلاگ‌ها، آخرین نوشته‌های بلاگر انتخاب می‌گردید. با توجه به تمرکز تحقیق بر جوانان، وبلاگ‌های نوشته شده توسط افراد واقع در سن ۱۵-۲۹ (طبق تعریف سازمان ملی جوانان از جوان) از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ به عنوان جامعه‌ی آماری انتخاب شد.

نمونه‌یابی: برن و گرو (۱۹۹۹) می‌نویسند: "در تحقیقات کیفی افرادی را که در تحقیق شرکت می‌کنند، شرکت کننده یا صاحب اطلاع اطلاق می‌کنند. زیرا بر روی این افراد مداخله‌ای صورت نمی‌گیرد. بلکه آنها فعالانه در مطالعه شرکت دارند و همین امر موجب می‌گردد که زندگی و تعاملات آنها بهتر درک شود. این نمونه‌گیری را تئوریک یا مبتنی بر هدف می‌نامند زیرا افرادی برای مطالعه انتخاب می‌شوند که پدیده مورد نظر را تجربه نموده، اطلاعات وسیعی در مورد آن دارند و می‌توانند بهترین مثال‌های پدیده مورد بررسی را فراهم آورند (ادیب، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۳) بر این مبنا شیوه‌ی نمونه‌یابی به طریق نظری و هدفمند است. نمونه‌ی پژوهش حاضر بر اساس سه هدف انتخاب شد: ۱- وبلاگ‌هایی در جستجوی اینترنتی انتخاب شدند که کاملاً به سبک گفتار عامیانه (نه در حد یک یا چند واژه و عبارت محدود) نوشته شده‌اند. ۲- این انتخاب منحصر به وبلاگ افراد واقع در سن ۱۵-۲۹ سال است. ۳- به علت سرعت زیاد در شکل‌گیری اصطلاحات تازه در این گونه‌ی زبانی، نمونه‌ی مورد نظر از سال ۱۳۸۵-۱۳۸۸ در نظر گرفته شد. علت انتخاب این دوره‌ی زمانی، به دلیل شدت شیوع شکل خاصی از گفتار عامیانه در میان جوانان است که بیانگر نوعی خرده‌گفتمان در مقطع مورد نظر می‌باشد. وبلاگ‌ها از طریق موتور جستجوی Google و Yahoo بر اساس جستجوی واژه‌ها و عبارت‌های گفتار عامیانه گردآوری شده در کتاب‌ها و سایت‌های اینترنتی، طی دوره‌ی منقطع سه ماهه تا رسیدن به مرحله‌ی اشباع، جمع‌آوری شده است.

حجم نمونه

در پژوهش‌های کیفی برخلاف روش کمی حجم نمونه از پیش تعیین شده نمی‌باشد و در حین کار مشخص می‌شود، بنابراین روند تجزیه و تحلیل داده‌ها با رسیدن به حد اشباع یعنی وقوع تکرار در نتایج تحلیل، می‌تواند تعیین کننده‌ی حجم نمونه باشد. پژوهش حاضر با حجم نمونه ۳۰ متن وبلاگ در روند تجزیه و تحلیل به نقطه‌ی اشباع رسید.

روش تحلیل

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین صورت می‌گیرد. توصیف به مرحله‌ای اطلاق می‌شود که تحلیلگر، ویژگی‌های صوری متن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این مرحله پژوهشگر، متن را منتزع از زمینه و شرایط تحلیل می‌کند و به بررسی سازوکارهای مهارگر و کنترلی آن بر حسب سه مولفه مضامین، روابط و هویت‌ها در سه سطح واژگان، ساختارهای نحوی و ساختار متن می‌پردازد.

مرحله‌ی تفسیر براین باور است که مولف متن و مخاطب متن هر دو دارای اذهانی بارور و فربه از گفتمان‌های جاری در محیط‌اند. متن در زمینه‌ای تولید و تفسیر می‌شود که آن گفتمان‌ها تسلط دارند. متن معلق در یک فضای خالی نیست. به گفته‌ی فرکلاف مولد و مفسر دارای ذخایر و منابع ذهنی است. باید نسبت میان متن و این ذخایر را آشکار کرد. از سوی دیگر، تفسیر متن مبتنی بر این باور است که متن به خودی خود با زمینه و ساختار اجتماعی پیوند ندارد، بلکه خود بخشی از یک گفتمان است و از طریق آن گفتمان با ساختارهای اجتماعی پیوند برقرار می‌کند. به این ترتیب برای خروج از متن گریزی جز تمسک جستن به مرحله‌ی تفسیر نیست.

در مرحله‌ی تفسیر، مشخصه‌هایی که در مرحله‌ی توصیف مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند، به عنوان نشانه‌هایی تلقی می‌شوند که می‌توان با تمسک به آنها از متن به زمینه و بیرون از متن رفت.

فرکلاف تفسیر متن را در دو مرحله پی می‌گیرد: ۱- تفسیر متن ۲- تفسیر زمینه‌ی متن

در تبیین متن از شبکه‌هایی معنایی متون خارج می‌شویم و به بیرون از متن راه می‌یابیم. هدف از تبیین متن، تصویر کردن متن به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. تبیین نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی محدودیت‌هایی را در گفتمان سبب شده‌اند و متقابلاً تبیین نشانگر آن است که گفتمان مورد مطالعه چه اثر مشخصی بر آن ساختارها دارد. متن از یک سو در مقابل ساختارهای قدرت، وجهی انفعالی دارد و از آنها تاثیر می‌پذیرد و در عین حال وجهی خلاق و فعال دارد و قادر به بازنمایی، اثرگذاری و دگرگونی ساختارها و روابط حاکم است. فرکلاف تبیین متن را با پاسخگویی به ۳ پرسش سامان می‌دهد:

۱- عوامل تعیین بخش اجتماعی (وجه ادراکی): در موقعیت خاص مورد مطالعه و در سطح نهادی

و اجتماعی کدام روابط قدرت دست در دست هم داده اند تا این گفتمان شکل گرفته است؟

۲- ایدئولوژی‌ها (وجه رابطی): چه عناصری از آگاهی پیشینی که به کار گرفته شده، مشخصه‌ی

ایدئولوژیک دارند؟

۳- اثرات و کنش‌های متن (وجه بیانی): این گفتمان در روابط قدرت جاری در سطح موقعیتی،

نهادی و یا اجتماعی چه جایگاهی دارد؟ این منازعات آشکار یا پنهانند؟ آیا در نسبت با آنچه در

زمینه جاری است خلایقی به چشم می‌خورد؟ آیا این گفتمان در جهت حفظ وضع موجود است یا به دگرگونی آن می‌اندیشد؟

فرکلاف به طراحی یک چارچوب چند بعدی برای تحلیل گفتمان می‌پردازد، به این ترتیب که ابتدا به توصیف عناصر سازنده‌ی گفتمان به طور مجزا می‌پردازد و در مرحله‌ی بعد این عناصر را بر یک سطح بزرگتر که کل مجموعه‌ی تشکیل دهنده‌ی گفتمان است، ارتباط می‌دهد و در نهایت به تبیین کیفیات این گفتمان و تبیین جایگاه و نقش آن در سطح کلان پس زمینه‌ی اجتماعی می‌پردازد. و برای تحلیل مناسبات بین گفتمان مسلط جامعه و گفتار عامیانه جوانان، با گذار از مرحله‌ی توصیف، گزاره‌های گفتمانی مسلط در متن و در مقابل آن، معانی تولید شده در فضای خرده فرهنگ جوانان در وبلاگ‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش

با انجام سه مرحله‌ی ویژگی‌های صوری، تفسیر و تبیین در تحلیل داده‌های پژوهش با الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف، گزاره‌های گفتمان مسلط موجود در متون و گزاره‌های خرده فرهنگ بیان شده در گفتار عامیانه، استخراج شدند تا از این طریق مناسبات بین گفتمان مسلط و زبان خرده فرهنگ گفتار عامیانه مورد شناسایی قرار گیرد. بنابراین در ذیل این دو دسته گزاره‌ها به همراه جمله‌ها، نمایانگر آن در هر متن جهت درآوردن شاخص‌های جزئی هر کدام بیان می‌گردد.

گزاره‌های گفتمان مسلط و جایگاه آن در گفتار عامیانه

۱- برتری و تسلط مردان بر زنان در گفتمان مسلط و نوع انعکاس آن در گفتار عامیانه
«داف را بیاید در هر جا که سخت تر جا شد جا کنید آقا اینها مال شماست اینها منظورم این همه نعمات ایکبیرست که در کف خیابان از شدت خارش به دور شما لول می‌خورند»
«بی خیال این ضعیفه‌ها شو، اینجا پوس میزنی که نمی‌دونم دخترا اله بله اند به ما چه هر چی هستند باره خودشوند، اگه اینه که شاخ بشکونیم خوب اصلا ارزششو داره داشی؟ خیلی وضم خرابه داشی اعصاب ندارم اصن، قاطی کردم ناجور، دیشب نزدیک بود بزنم یه بچه قرتی رو ناکارش کنم بچه ... عجباً نمی‌خوام دهنم واشه برداشته به صغرا تیکه انداخته بود نامردا ...»
در متون ذکر شده ارزش‌های گفتمان دینی در ذهن و باور نویسنده متن‌ها وجود دارد و از این جهت این گزاره‌ها حاوی ارزش‌های بیانی گفتمان مسلط و سنتی جامعه هستند. شاخص‌هایی که از این متون استخراج می‌شود عبارتند از:

- بیان ارزش‌های سنتی و عرفی در زبانی خارج از چارچوب گفتمان زبان رسمی
- حضور انگاره‌های تاریخی مردسالار در ذهن کنشگر در موقعیت‌های کنشی متفاوت

- موقعیت سلسله مراتب قدرت در گفتمان مردسالار اجتماعی
- اعطا جایگاه فاعلی مطلق همراه با تقدس مآبی سنتی- ارزش های گفتمان پدرسالار به عنوان تعیین کننده نهایی مسیر و جهت زندگی افراد -- دسترس پذیری امر سنتی و قدرت مطلق گفتمان دینی در قالب زبان کارناوالی گفتار عامیانه
- بازنمایی ارزش ها و باورهای پدر سالارانه در امور جسم‌مند زندگی دنیوی، در قالب زبان عامیانه و زبان معیار گفتمان مسلط
- ۲- حضور ارزش های مقدس و قابل احترام در گفتمان دینی و نوع انعکاس آن در گفتار عامیانه
- « آخ قلبم آخ خدا قلبم گرفت پا گذاشتی رو قبلم می بینی چی حالی شومد داداش ما اخرابتیم اجمالتیم چوخلستیم چمنتیم به مولا، بی خیل این دنیا هر چی چوبش بوده رو این خودا زده به ما بازم بزن خودا که چوبتو عشقه»
- « یه برنامه ترکیبی با دیالوگ‌های گنده گنده ولی دل نشین و پلاتوهای محشر محمد رضا سرشار که حسابی یخ افکار بیننده رو بخار می کنه و آدمو تا آستانه بایزید بسطامی شدن بوکسل. از معدود کارهای صدا و سیما که تابلوئه دیمی رو آنتن نرفته و قبلش کلی مغز متلاشی شده و سلول خاکستری کج و معوج»
- « خدایا یه چیزایی رو دادی بهمون تورو خدا راه مصرفشم یادمون بده، یادم دادی لاقل یه امتحانشو خودت بزار انقدر مارو ضایع نکن، بابا دمت گرمه. خیلی. میدونم همش تلنگر به خودمون تو دیگه همه تفریحاتتو تو ۱۰۰۰ ساله اول خلقت کردی. الان دیگه گذاشتی رو aut opilot اما نوکرتم ببین اینجا که میخواد این خلبان هوشمند بشینه اصلا باند هست، یا یه بیابون برهوته که ۲ متر جای صاف توش نیست!!! میدونی که بدفرم دوست دارم، چون من یه کمم مارو دریاب به خدا ناشکری نمیکنیم. آخه نوکرتم آخر انقدر امتحان کردی که طرفمون گرخید...»
- ۳- تابعیت کنشگران از نهادهای اجتماعی و نوع انعکاس آن در گفتار عامیانه
- «رفتیم با هزار خفت و خواری به پدر بزرگوار گفتیم حاج اقا: این اتول مبارک رو یکی دو ساعت به ما عاریه بدید. خواهشا. دیدم جوابی صادر نشد. رفتم جلوتر دیدم خواب تشریف بردن»
- «یه جورایی راه خیلی از بر و بچه ها از همین جا از هم جدا میشه. مهم اینه قدم توی راهی بذاری که پس فردا سوتی ندی و مجبوریده نشی روی گند کاریهات ماله بکشیم»
- «درهمین حین یک پژو هم ایستاد و پنج تا پسر پیاده شدند و یکی از آنها انصافا گنده و گلدونی بود که آمد جلو و با لحنی دوستانه گفت: بچه‌ها مستی خوش بگذره ولی ما با هم هستیم، بی خیال شید. نگو طفلکی ها با هم بودند و فقط طرح انطباق را رعایت کرده بودند و خودشان مشکل منکراتی خودشان را برطرف کرده بودند»

در فضای این متون نهاد های اجتماعی گفتمان مسلط (خانواده- مدرسه- پلیس- نهاد های انتظام بخش اجتماعی، پلیس- دادگاه- نهاد های ترویج فرهنگ مسلط) به عنوان نهادهای کنترل کننده نظم هنجاری ایدئولوژیک گفتمان حاکم عمل می کنند، که در شاخص های زیر نمودار می گردد:

- سلسله مراتبی بودن رابطه‌ی قدرت در گفتمان خانواده و تبعیت از قدرت پدر
- استفاده از سبک زبان معیار گفتمان مسلط در ارتباط با گفتمان قدرت در خانواده (پدر) و سایر نهادهای اجتماعی

- نظم بخشی و کنترل جوانان در گفتمان خانواده و ممانعت از شکستن ارزش‌ها و هنجار های گفتمان مسلط

- مقهور قدرت نهادهای اجتماعی انتظام بخش واقع شدن و مقاومت در برابر این قدرت در قالب گفتار عامیانه

- نشان دادن تابعیت از قدرت گفتمانی نهادهای اجتماعی-فرهنگی و پنهان کردن مقاومت خود از دید آنها

در این متون جوانان به عنوان طرف فاقد قدرت در روابط نامتقارن قدرت با نهاد های اجتماعی گفتمان مسلط، مقهور و تابع قدرت گفتمانی این نهادها قرار می گیرند و گفتار عامیانه در جایگاه انعکاس دهنده این قدرت می باشد.

۴- زبان معیار گفتمان مسلط به عنوان زبان دارای اعتبار و مرجعیت

« همه چیز از به شوخی ساده شروع می شه... شایدم یه سوتی. وقتی پیش یکی از دوستان نشستی و یه اشتباه لپی می دی و از شانس بدت دوستت می زنه زیر خنده و از قضا تو هم واسه ی اینکه از شدت ضایعیت کم کنی باهاش می خندی و برای ماسمالی بیشتر یه دو سه چند تا دیگه از این سوتیا می دی. جوک های رکیک!! امیدوارم که هر چه زودتر تا شوخیات به سطوح بالاتر نرسیده یه ذره از همین آخری ها بخوری و یه چن ترمی مشروط بشی و یه چن تا شغلی عوض کنی و یه چن بار دستگیر بشی تا شاید خدا خواست و رحمی کرد و این تبت خوابیدا!»

«یک کارگر افغانی از توی یکی از خونه ها اومد بیرون و شروع کرد صحبت کردن: چککار می کنی؟؟ من زمین را شسته می کردم که دیدم صدای تصادم کردن می آیه!! با خودم پندار کردم کشت و کشتار می کنی!! من و علی سلی از خنده ترکیده بودیم بقولیییی!! پیری هم کف کرده بود که ما تصادف کردیم و ماشین به فاک رفته همش داریم میخندیم»

«دیدم ۲۴ تا از خریداران محصولات شرکتشون رو که خرم آبادی بودن رو دعوت کردن که یه نهار یه بشون بدن و یه زیر سیبیلی و خلاصه ... که چی: که محصولات شرکت درپیت اینا رو بیشتر بخرن. لامصبا فارسی هم حرف نمیزدن خبر مرگشون. همش شبکه ۶ حرف می‌زدن. فیلمی داشتیم»

این متون در قالب گفتار عامیانه بیان شده‌اند اما جدا از سبک زبانی خود، در نهایت زبان معیار گفتمان مسلط را در روابط متقابل اجتماعی دارای اعتبار و ارجحیت می‌دانند.

- اعطاء اعتبار پنهان و برتری به سبک زبانی معیار

- طرد و مجازات اجتماعی خروج از سبک زبانی معیار گفتمان مسلط

- تمسخر و استهزاء سبک زبانی خارج از زبان معیار

در این متون گفتار عامیانه در جایگاه انعکاس دهنده قدرت در پشت زبان معیار و گفتمان مسلط می‌باشد.

۵- قرار گرفتن در چارچوب سبک پوشش گفتمان مسلط و نحوه انعکاس آن در گفتار عامیانه « سلام به شما اراذل و اوباش (اوباش جمع و بش به معنی چرک زیر ناخن است) بعله شما اراذل و اوباش گل ماشالله همگی ناخن هاشون رو مدیکور و پدیکور و ازین جفنگات می‌کنن ولی نمیدونم این اوباش از کجا تولید می‌شن شاید واس خاطر اینه که نه همین لباس زییاست نشان آدمیت آره زیره اون واکس و پولیش و رنگ ترگل و رگل خوشگل و براق اوج حقارت و پستی انسان نشسته»
« تو بوتیک بودیم واسه ... من چقدر تعطیلم! خب آدم میره تو بوتیک، پُشتک که نمی‌زنه! می‌خواه لباس بخره دیگه! در حین فرایند مشکل انتخاب بودیم که یکی از این آجی‌های خفن چهره و عنکبوت پوش وارد شد در سطح تیم ملی! یاد یکی از رفقا افتادم، به این دسته از موجودات می‌گفت: صُغرا گماندو»

« بیژری چشاش قد نخوده، همیشه عینک دودی می‌زنه اگه ملت مسخره‌اش نکنن شبا هم از چشاش در نمیاره و با پلنگ ملنگ و این جور چیزا خیلی حال می‌کنه یه نمه هم اواخواهر می‌زنه، بی‌غیرت همش لباس پلنگی اینا می‌پوشه. این لباسا مال زن مناس»
در این متون سبک پوشش دختران از طرف جنس مذکر به علت خارج بودن از چارچوب ارزشی گفتمان مسلط، مورد نقد قرار می‌گیرد.

-تمسخر و استهزاء سبک پوشش نابهنجار در گفتار عامیانه

- باور به تفکیک و تمایز جنسیتی گفتمان مسلط در سبک پوشش متمایز دو جنس

- نقد سبک پوششی مدرن و خارج از چارچو گفتمان مسلط در قالب واژگان گفتار عامیانه

گزاره‌های خرده فرهنگی به عنوان معانی تولید شده در خرده فرهنگ و انعکاس آن در گفتار عامیانه

۱- محوریت لذت‌گرایی غیرمجاز گفتمان مسلط در فضای خرده فرهنگی و انعکاس آن در زبان

- «آقا بساط رو جمع کنید بعدش بساط رو پهن کنید آهان اولی دودو دمو آقا کلهم اجمعین مخدرات رو جمع و آبکی جات رو پهن کنید سری به عرش خداوند بزنید و محافل کرسی شعر به پا کنید جوانان ملت را از راه دین و اسلام به راه عشرت و ترب هدایت کنید»
- « بابا نرو تازه داره باحال میشه تاز صبر کن آخرش خداس اونجاس که تهران نابود میشه! حالا دیونه ها ایده زدن برا من که ماشینت خراب بشه بعد بزنی بقل تا مخ دافارو بزنی منم پایه، مام که تازه راس کرده بودیم برای اینکه تهران رو شیر قهوه کنیم رفتیم طرف دزاشیب، در راه تجریش داشتیم از عمق جان بر اسکولیت ملت شاس مغز قهقهه می زدیم»
- دعوت جنس مذکر به کسب لذت از طریق مشروب و روابط جنسی
 - ظهور و انعکاس لذت در گفتار عامیانه از طریق راضی کردن جنس مونث به طریقی زیرکانه جهت ایجاد روابط دوستی و جنسی
 - تعریف نهایت لذت در برقراری رابطه با جنس مخالف و روابط جنسی
 - مقاومت در برابر ارزش‌های گفتمان خانواده و گفتمان مسلط از طریق لذت‌گرایی مبتنی بر روابط جنسی و مواد مخدر
- ۲- تعریف زن در فضای خرده فرهنگی به عنوان ابزار لذت و سوژه‌ی جنسی و انعکاس آن در گفتار عامیانه
- «دخترها پیاده شدند و همه کاروان آب از لب و لوچه شان راه افتاد، تیکه های خوشگل منسوب به جنوب شهر را حواله دخترها کردند از جمله " جووووون "، " آجی " و " بخورمت "»
- «چش چرونی و دختر بازی هم فت و فراوون، علی قشنگ بهش برخورده بود که من تو رگ زدم و خودش ناکام مونده، اگه دافم جور میشد که دیگه نابود میشدیم»
- « پهو بچه ها یه ام وی ام تریس کردن که تا داف شاخ توش بود»
- نگاه غیرارزشی به زن و در نظر گرفتن زن در، تنها به عنوان سوژه‌ی لذت جنسی در واژگان گفتار عامیانه مانند: داف، مخ زدن....
 - گفتار عامیانه در جایگاه زبانی برای بیان لذت در قالب کلماتی لذت‌بخش.
 - در مرکز قرار گرفتن پسران در لذت‌گرایی و در حاشیه قرار دادن زن در جایگاه سوژه‌ی لذت در این زبان
- ۴- مقاومت در برابر گفتمان دینی مسلط و درهم شکستن مرز بین مقدس و نامقدس در قالب گفتار عامیانه
- « حالا ۶۰ ساله های ما برند مسجد و حسینیه با یه انگشتر عقیق تو انگشت و تسبیح به دست هی مومن بازی در بیارن تو ایام حسین پارتی هم بچه هاشون اگه خواستن حال و هول کنن زهرمارشون کنن»

« نماز جماعت راه انداختن و یکیشون شروع کرد بین نماز دروس حوزوی تدریس کنه و خلاصه هر چی اه و ناله و نفرین بود نثار روح پرفتوح یحیی و خودم و همه کس و کارم کردم. ملت انقدر بیخیال و شاس منگول به عمرم ندیده بودم .

ای خاک بر سر من و این یحیی کنن که همه ملت مهمون خارجی دارن و کلاس بالا و اهل حال اونوقت ما هم خیر سرمون مهمون داریم»

« البته بماند که در هنگام سیر و سلوک معنوی بچه ها با قلیون یکی از کارگرای اونجا بدجور جواب حافظو داد، من و دکی هم که مظلومانه یه گوشه نشسته بودیم و معراج بچه ها رو نگاه میکردیم.... پارسا و مجید از اون ور حلقه از خودشون در می کردن. بیچاره اشکان هر چی سعی می کرد ادای اون رو در بیاره نمی تونس اینور خیلی خدا بود... حافظ و امید و شاهین داشتن ۸-۱۰ واحد "تنظیم خانواده" یا بهتره بگم: "اخلاق در خانواده" پاس می کردن... زیر نظر استاد و پیش کسوت این درس، حجت الاسلام والمسلمین "رامتین دکتر»

- شکستن و نقض روابط سلسله مراتبی قدرت در گفتمان دینی در قالب واژگان بیان شده در گفتار عامیانه

- ورود امر غیرمقدس و دنیوی در کنار امر مقدس و دسترس پذیر ساختن امور ارزشی گفتمان دینی در واژگان گفتار عامیانه

- در اولویت نبودن ارزش‌های ایدئولوژیک دینی در گفتار عامیانه خرده فرهنگی جوانان
- به پایین کشیدن مراجع دارای صلاحیت بیان گفتمان دینی و قرار دادن آنها در جایگاه نامناسب از طریق گفتار عامیانه

۶- مقاومت در برابر هنجارها و ارزش‌های نهادی شده‌ی گفتمان مسلط

« اگه بچه مثبتی اگه پاستوریزه ای اگه چهار تا حرف بالای هیجده می تونه حالت رو بد کنه خداحافظ چون بعداً حوصله ندارم نصیحتم کنی که با ادب باش»

« زنگه تفریحم که اینقدر فسی یا همون فصاحت زرید که ما کف کردیم اما اون بی خیال ور زدن نبود، با مثانه جون کلاس داشتیم آقا سینه کفتری اومد تو کلاس، خودشوعینه بوقلمون باد کرد یه ابروهای داره عینه گودزیلا تو هوا ؛ داشت می گفت که کتاباتونو جمع کنید وازین زرتو پرتا»
« خلاصه گاگول (همون معاون) مدرسه مٹ این فیلم پلیسی ها داشت بازجویی میکرد، یشکمبه بریزیم مدرسه رو بکشیم به خاک و خون. اختشاش ایجات کنیم»

- عدم پذیرش افراد دارای چارچوب ارزشی و ایدئولوژیکی گفتمان مسلط در فضای خرده فرهنگی با بیان واژگان گفتار عامیانه

- مقاومت پنهان در برابر گفتمان خانواده و پدر با مخفی نگه‌داشتن نقض ارزش‌ها و هنجارهای خانواده و بیان این مقاومت در واژگان هجوآمیز گفتار عامیانه

- مقاومت جنس مونث در برابر گفتمان تفکیک کننده‌ی جنسیتی با یک پوشش و رفتاری خارج از چارچوب ارزشی گفتمان مسلط

بحث و نتیجه‌گیری نهایی

این پژوهش با هدف بررسی کارکرد گفتار عامیانه در خرده فرهنگ جوانان، قدمی برای شناخت دنیای پیچیده‌ی جوانی، از دیدگاه جامعه‌شناسی است. گفتار عامیانه را زبانی خرده فرهنگی می‌نامیم. زیرا در فضای خرده فرهنگ ایجاد می‌شود، به کار می‌رود و از آنجا در سطح جامعه رواج می‌یابد. بنابراین برای شناخت گفتار عامیانه، مطالعه‌ی خرده فرهنگ و بنیان‌های نظری آن - به عنوان بستر و زمینه‌ی شکل‌گیری این زبان، لازم است. یکی از مهم‌ترین نظریه‌های این حوزه، مقاومت خرده فرهنگی است که در دیدگاه دیک هبداچ و سایر نظریه پردازان مکتب بیرمنگهام انگلیس مطرح شده است که از نقطه نظر آنها این مقاومت بیشتر صبغه‌ی سیاسی می‌یابد. بنابراین با مطالعه‌ی خرده فرهنگ این پیش فرض به وجود آمد که گفتار عامیانه نیز به عنوان وجه مشخصه‌ی از خرده فرهنگ جوان می‌تواند مقاومتی در برابر گفتمان مسلط جامعه محسوب شود.

جامعه‌ی آماری پژوهش، وبلاگ‌های شخصی افراد جوان واقع در سن ۱۵-۲۹ قرار گرفت. در فضای مجازی وبلاگ، امکان حذف و سانسور واژگان و عبارتهای گفتار عامیانه، بر اثر تابو بودن برخی حوزه‌های کاربرد آن، کاهش می‌یابد و برای افراد، فرصت نوشتن آزاد و رها از قید و بند هنجارها و قواعد اجتماعی فراهم است. از آنجا که جوانان به عنوان پویاترین گروه اجتماعی در جامعه مطرح هستند، زبان ویژه‌ی آنها نیز متأثر از فضای اجتماعی شکل‌گیری کاربرد آن، پویاترین زبانگونه‌ی اجتماعی در پروسه‌ی تولید، ترویج، مرگ و بازتولید واژگان و عبارتهای گفتار عامیانه است. بنابراین وبلاگ‌های مورد بررسی در نزدیک‌ترین زمان به پژوهش حاضر یعنی وبلاگ‌های نوشته شده به گفتار عامیانه از سال ۱۳۸۵-۱۳۸۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نوع نمونه‌گیری با توجه به شرایط خاص تحقیق، احتمالی و تکنیک نمونه‌گیری نظری و هدفمند است؛ حجم نمونه را در پژوهش‌های کیفی، روند تجزیه و تحلیل داده‌ها و رسیدن به حد اشباع مشخص می‌کند. در این پژوهش ۳۰ وبلاگ با رسیدن به نقطه‌ی اشباع، مورد بررسی قرار گرفت که اطلاعات توصیفی و تبیینی حاصل از آن در جداول بعدی بیان می‌شود.

جداول اطلاعات توصیفی و تبیینی حاصل از تجزیه و تحلیل وبلاگ‌ها

| شماره متن | جنسیت | تعلق فرهنگی - قشری | موضوع وبلاگ | گزاره گفتمانی مسلط در متن | وجود مقاومت در متن | کارناوالی بودن متن |
|-----------|-------|--------------------|--|--|--|--|
| ۱ | مرد | متوسط رو به بالا | کسب لذت از طریق روابط جنسی و مواد مخدر | زن در جایگاه سوژه‌ی لذت | مقاومت در برابر گفتمان جنسیتی در روابط جنسی و گفتمان دینی | شکستن نظم مسلط در روابط جنسی و مواد مخدر |
| ۲ | مرد | متوسط رو به بالا | رابطه دوستی با دختران | اولویت ارزشمندی به دوستی‌های پسرانه در روابط با دختران | مقاومت در برابر گفتمان جنسیتی از طریق روابط دوستی با دختران | ورود به حوزه ی غیرمجاز گفتمان تفکیک کننده ی جنسیتی |
| ۳ | مرد | متوسط رو به بالا | رابطه دوستی و جنسی با دختران | تسلط پسران در روابط دوستی با دختران | مقاومت در برابر گفتمان جنسیتی از طریق روابط دوستی و جنسی با دختران | شکستن گفتمان دینی و جنسی با تکیه بر سوپه‌های جسم‌مند |
| ۴ | مرد | پایین | نارضایتی از شرایط نامساعد زندگی | حضور گزاره‌های گفتمان دینی و جنسیتی با حفظ ناموس | - | - |
| ۵ | زن | - | اظهار پشیمانی از کاربرد زبان نامعیار برای جلب و تایید دیگران | حضور ارزش‌های گفتمان خانواده و گفتمان زبان معیار | - | شکستن هنجار و نظم اجتماعی مسلط از طریق کاربرد زبان نامعیار |

بررسی جامعه‌شناختی گفتار عامیانه در خرده فرهنگ جوانان

| شماره متن | جنسیت | تعلق فرهنگی - قشری | موضوع وبلاگ | گزاره گفتمانی مسلط در متن | وجود مقاومت در متن | کارناوالی بودن متن |
|-----------|-------|--------------------|--|---|--|--|
| ۶ | مرد | متوسط رو به بالا | رابطه دوستی با دختران | ایدئولوژی مردسالارانه برتری مرد بر زن و آسیب پذیری زنان بر اثر آن | مقاومت در برابر گفتمان جنسیتی از طریق روابط دوستی با دختران | شکستن فرهنگ مسلط در روابط بین جنسیتی |
| ۷ | مرد | متوسط رو به بالا | تخریب شخصیتی و هوشی دختران | ایدئولوژی مردسالارانه برتری مرد بر زن | - | - |
| ۸ | مرد | متوسط رو به بالا | کسب لذت از طریق روابط دوستی با دختران | زن در جایگاه سوزده لذت | مقاومت در برابر گفتمان جنسیتی از طریق روابط دوستی با دختران و شکستن نظم مسلط در خیابان | خنده غیر متعارف و کسب لذت در خیابان |
| ۹ | مرد | - | ترس از آشکار شدن روابط غیرمجاز با دختران | حضور گفتمان خانواده به عنوان مرجع دارای صلاحیت بیان | مقاومت از طریق | شکستن گفتمان روابط جنسی مجاز و نفی مصرف موادمخدر |
| ۱۰ | زن | - | دیالوگ دانش آموزان و معلمان | الزام دانش آموزان به تبعیت از هنجارهای گفتمان مدرسه | مقاومت از طریق کنش‌های تقابلی جوانانه و کاربرد گفتار عامیانه در برابر گفتمان معلم | درهم شکستن گفتمان معلم و مدرسه در قالب زبان |

| شماره متن | جنسیت | تعلق فرهنگی - قشری | موضوع وبلاگ | گزاره گفتمانی مسلط در متن | وجود مقاومت در متن | کارناوالی بودن متن |
|-----------|-------|--------------------|--|--|--|--|
| ۱۱ | مرد | - | استفاده فرد کهنسال از سایت‌های سکسی | حضور گفتمان خانواده به عنوان منبع ترس از رد ارزش‌های ایدئولوژیک گفتمان مسلط و دینی | مقاومت در برابر گفتمان جنسیتی از طریق آزادی روابط جنسی و گفتمان دینی | شکستن گفتمان دینی با تنزل امر مقدس به نامقدس |
| ۱۲ | مرد | - | دیالوگ تلفنی با موضوع فوتبال و تفریح | اثبات هویت و خودبودگی از طریق کسب پیروزی در فوتبال | - | شکستن قواعد گفتمان زبان معیار و خروج از چارچوب رفتاری فرهنگ مسلط |
| ۱۳ | مرد | - | زیر سوال بردن غنای فرهنگی و زبانی گفتمان مسلط | غنای زبانی و فرهنگی زبان رسمی | مقاومت در برابر گفتمان زبان رسمی | شکستن مرز بین مقدس و نامقدس در گزاره‌های ایدئولوژیک گفتمان دینی |
| ۱۴ | مرد | - | اهمیت تعلق قشری و نارضایتی از تسلط عقلانیت ابزاری در روابط اجتماعی | غلبه ارزش‌های مادی و عقلانیت ابزاری در جامعه | - | شکستن گزاره‌های مقدس در گفتمان دینی و ورود امر نامقدس به حوزه‌ی مقدس |
| ۱۵ | مرد | پایین | بازتعریف زندگی شخصی راننده تاکسی نزد مسافر خویش | قرار دادن نیروی جوانی در خدمت گزاره‌های ایدئولوژیک دینی و مسلط | - | - |

بررسی جامعه‌شناختی گفتار عامیانه در خرده فرهنگ جوانان

| شماره متن | جنسیت | تعلق فرهنگی - قشری | موضوع وبلاگ | گزاره گفتمانی مسلط در متن | وجود مقاومت در متن | کارناوالی بودن متن |
|-----------|-------|--------------------|--|---|---|---|
| ۱۶ | مرد | - | هدر ندادن جوانی و استفاده بهینه از آن | قرار دادن نیروی جوانی در خدمت گزاره‌های دینی و مسلط | مقاومت در برابر گفتمان جنسیتی از طریق روابط دوستی با دختران | درهم شکستن عدم دسترسی به امر مقدس و راهیابی به آن از طریق گفتار عامیانه |
| ۱۷ | مرد | - | انتقاد از سبک پوشش نامعيار مخاطب دختر | حضور گزاره‌های گفتمان مسلط در سبک پوشش | - | - |
| ۱۸ | مرد | متوسط رو به بالا | تصادف در خیابان | اعتبار و برتری گفتمان زبان معیار | - | به سخره گرفتن هنجارهای اجتماعی و خنده غیرمعارف |
| ۱۹ | مرد | - | نقد برنامه‌های صدا و سیما | حضور گزاره‌های گفتمان دینی | - | - |
| ۲۰ | مرد | - | انتقاد از اعمال سانسور بر محتوای کتاب‌ها | - | - | به چالش کشیدن گزاره‌های گفتمان مسلط در منع ورود به حوزه‌های تابویی |
| ۲۱ | مرد | - | تناقض در ارزش‌های دینی | حضور خدا به عنوان قدرت مطلق در گفتمان دینی | - | - |

| شماره متن | جنسیت | تعلق فرهنگی - قشری | موضوع وبلاگ | گزاره گفتمانی مسلط در متن | وجود مقاومت در متن | کارناوالی بودن متن |
|-----------|-------|--------------------|---|--|---|---|
| ۲۲ | مرد | پایین | تفریح و لذت از طریق مواد مخدر و مشروب | حضور ایدئولوژی گفتمان دینی و گزاره تفکیک کننده - ی گفتمان جنسیتی | - | رهایی از فشار گزاره تفکیک کننده‌ی جنسیتی و خنده ناشی از آن |
| ۲۳ | مرد | - | نارضایتی از مهمان شهرستانی و سطح پایین داشتن | حضور گفتمان زبان رسمی و گفتمان خانواده | مقاومت در برابر نظام سیاسی حاکم و گفتمان مسلط | درهم شکستن گزاره‌های ایدئولوژیک سیاسی گفتمان مسلط |
| ۲۴ | مرد | - | لذت حاصل از تفریح دسته جمعی پسران در گروه دوستی | فشار اجتماعی ناشی از عرف و هنجارهای اجتماعی | مقاومت در برابر هنجارهای رفتاری گفتمان مسلط و گزاره - های ایدئولوژیک دینی | درهم شکستن گزاره‌های دینی و راهیابی امر نامقدس به امر مقدس در گفتار عامیانه |
| ۲۵ | مرد | - | اظهار پشیمانی از نافرمانی در برابر قدرت مطلق خدا | پذیرش ایدئولوژیک گفتمان دینی و قدرت مطلق خدا | - | شکستن ممنوعیت گفتمان دینی از راهیابی به امر مقدس |
| ۲۶ | مرد | - | لذت‌گرایی پسران از طریق تفریح دسته جمعی با دوستان | اعتبار گفتمان زبان معیار در دیدگاه نویسنده | - | درهم شکستن نظم و هنجارهای اجتماعی از طریق لذت و خنده کاناولی |

بررسی جامعه‌شناختی گفتار عامیانه در خرده فرهنگ جوانان

| شماره متن | جنسیت | تعلق فرهنگی - قشری | موضوع وبلاگ | گزاره گفتمانی مسلط در متن | وجود مقاومت در متن | کارناوالی بودن متن |
|-----------|-------|--------------------|---|--|---|---|
| ۲۷ | مرد | - | عدم فهم نویسنده از سبک زبانی مخاطب | حضور گفتمان زبان معیار به عنوان زبان دارای اعتبار | - | شکستن نظم و مقرارت اجتماعی و راهیابی به به حوزه‌های غیرقانونی گفتمان مسلط |
| ۲۸ | مرد | - | استفاده از مواد محترقه در مدرسه | حضور معاون به عنوان منبع ترس در گفتمان مدرسه | مقاومت پنهان از طریق شکستن هنجارها و نظم مسلط در گفتمان مدرسه | به سخره گرفتن مراجع قدرت در گفتمان مدرسه و زیرپا گذاشتن هنجارهای آن |
| ۲۹ | مرد | متوسط رو به بالا | نحوه تعامل نویسنده با کنشگران در خیابان | حضور ایدئولوژی مردسالارانه و گفتمان تفکیک کننده جنسیتی | مقاومت در برابر گزاره‌ها و مراجع دارای صلاحیت گفتمان دینی | به سخره گرفتن مراجع دارای صلاحیت بیان در گفتمان دینی |
| ۳۰ | زن | - | هشدار نویسنده به مخاطبین در صورت شکستن گزاره‌های گفتمان دینی و مسلط | پذیرش ایدئولوژیک ارزش - های گفتمان دینی و هنجارهای گفتمان مسلط | - | - |

در ابتدای ورود به میدان پژوهش، تصور بر این می‌رفت که گفتار عامیانه در فضای خرده فرهنگی به طور یکسان و مشابه توسط جوانان به کار می‌رود و در خرده فرهنگ جوانان با یک نوع گفتار عامیانه مواجه هستیم؛ اما روند تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر روندی غیر از تصور اولیه‌ی پژوهش بود. در قسمت اول، برای فهم مناسبات میان گفتار عامیانه و گفتمان مسلط، متون را از نظر حضور گزاره‌های گفتمانی مسلط و گزاره‌های خرده فرهنگی مورد بررسی قرار دادیم. در این قسمت، با تکیه بر اطلاعات مندرج در جداول، نتایج نهایی حاصل از تحلیل داده‌ها استخراج می‌شود.

گفتار عامیانه و جنسیت

از مجموع ۳۰ متن، ۳ متن - یعنی ۱۰٪ - وبلاگ‌های مورد تحلیل، توسط بلاگر زن نوشته شده است. همانطور که در فصل سوم بیان شد، وبلاگ‌ها - با توجه به شرایط اعمال شده بر نحوه‌ی نمونه‌گیری، گزینشی هدفمند از ۱۰۰ متن یافت شده در فرایند جستجوی متون گفتار عامیانه است. می‌توان گفت درصد کم حضور بلاگر زن در حجم نمونه، دال بر کاربرد کمتر زبان اسلنگ از سوی زنان است زیرا همانطور که ترادگیل مطرح می‌کند و در پژوهش‌های داخلی نیز تایید شده، زنان گرایش به کاربرد زبانگونه‌ی معیار یا زبانگونه‌ی باوجه دارند. از زنان و مردان در فضای اجتماعی جامعه، طرز تلقی‌ها و رفتارهای متفاوتی انتظار می‌رود که زبانگونه‌های جنسیتی نماد این واقعیت هستند. در این راستا تغییر زبانی زنان در جهت هنجارها و قواعد رایج اجتماعی صورت می‌گیرد. این نظر، در این ۳ متن نیز مورد تایید قرار گرفت؛ یعنی فضای کاربرد گفتار عامیانه توسط زنان، فضایی است که گزاره‌های ایدئولوژیک گفتمان مسلط، حاکم است و برخلاف وبلاگ‌های مردان، از واژگان گفتار عامیانه‌ی مربوط به حوزه‌های تابویی اندام تناسلی و روابط جنسی استفاده نشده است. بنابراین می‌توان گفت با توجه به گرایش زنان به زبان معیار، کاربرد گفتار عامیانه توسط آنان در حوزه‌های محدود و غیرتابویی صورت می‌گیرد که دال بر عدم مقاومت آنها در برابر ارزش‌های گفتمان مسلط است.

گفتار عامیانه و تعلق فرهنگی - قشری

قبل از ورود به مرحله‌ی تجزیه و تحلیل داده‌ها، در ذهن محقق پیش فرضی دال بر تاثیر فرهنگ قشری بر گفتار عامیانه وجود نداشت و با پیش روی روند تجزیه و تحلیل، تاثیر این مولفه بر گفتار عامیانه به صورت پررنگ نمایان شد. مجازی بودن فضای جامعه آماری، دسترسی محقق را به تعیین دقیق تعلق قشری بلاگرها - همانطور که در پژوهش‌های کمی رایج است - مشکل می‌ساخت. اما با اندکی تسهیل و تسامح به دو طریق ۱- اشاره‌ی مستقیم بلاگر به تعلق قشری خود ۲- ارجاع محقق به آرشبو وبلاگ بلاگر، تعلق قشری برخی از متون مشخص شد. در زیر نحوه‌ی ارتباط گفتار عامیانه و وابستگی قشری - فرهنگی بیان می‌شود:

۱- **گفتار عامیانه در فرهنگ قشر متوسط و بالا:** در این قشر گفتار عامیانه صبغهی مقاومتی در برابر ارزش‌های ایدئولوژیک گفتمان مسلط به خود می‌گیرد. البته این مقاومت پنهان از دید نهادهای دارای صلاحیت بیان گفتمان مسلط، تنها در فضای خرده فرهنگی نمایان می‌شود. در ۷۰٪ وبلاگ‌های متعلق به این قشر، موضوع مقاومت حول نفی و طرد صورت‌بندی ایدئولوژیک گفتمان دینی و گفتمان روابط جنسی است. این دو موضوع از حوزه‌هایی است که در جامعه‌ی ما، دارای بیشترین گزاره‌های ممنوعیت و محدودیت است. در این قشر، گفتار عامیانه با ورود به حوزه‌های تابویی روابط جنسی غیرمجاز، مشروب و مواد مخدر- که در گفتمان دینی نامشروع و حرام تلقی می‌شود، در برابر گزاره‌های ایدئولوژیک گفتمان دینی و گفتمان روابط جنسی مقاومت می‌ورزد. هم چنین گفتار عامیانه قشر متوسط رو به بالا، از طریق ورود به حوزه‌ی روابط دوستی با جنس مخالف در برابر گفتمان تفکیک‌کننده‌ی جنسیتی و از طریق تنزل امور مقدس دینی در سطح امور پست دنیوی و نامقدس جلوه دادن آن‌ها، در برابر گفتمان مقدس دینی مقاومت می‌نماید. در اینجا گفتمان مقاومت با ایجاد گسست و شکاف در گفتمان دینی و مسلط، زمینه‌ی ظهور گزاره‌ی خرده فرهنگی جدیدی را فراهم می‌آورد؛ گزاره‌ای که هدف از ظهور خود را لذت می‌داند، لذتی که با نفی انتظارات و ارزش‌های گفتمان مسلط و حتی خرده فرهنگ‌های جوانی دیگر، حاصل می‌شود.

بنابراین در پاسخ به این سوال پژوهش که می‌توان گفتار عامیانه را هم چون ابزاری برای مقاومت جوانان در برابر گفتمان رسمی و مسلط جامعه دانست؟ باید گفت که دارا بودن صبغهی مقاومت ایدئولوژیک در گفتار عامیانه، به فضای کاربرد آن وابسته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از شکل‌گیری گفتمان مقاومت تنها در گفتار عامیانه قشر بالا است که زمینه‌ساز ظهور گزاره‌های خرده فرهنگی جدید می‌باشد.

۲- **گفتار عامیانه قشر پایین شهر:** ویژگی‌های واجی و زبانی این نوع گفتار عامیانه تا حدودی متفاوت از گفتار قشر بالا و با توجه به بستر اجتماعی کاربرد آن، نزدیک به زبانگونه‌ی لوطی و جاهلی است. در گفتار عامیانه قشر پایین، گزاره‌های ایدئولوژیک گفتمان دینی با قدرت بیشتری حضور دارد و ایدئولوژی مردسالارانه‌ی گفتمان جنسیتی نیز با رویکرد ناموس پرستی و قدرت و کنترل بر جنس زن، خود را در این زبان نمایان می‌سازد. علیرغم پیوستگی گفتار عامیانه پایین شهر با گفتمان مسلط، این زبان به حوزه‌های غیرمجاز روابط دوستی با جنس مخالف، مشروب و مواد مخدر وارد می‌شود اما تفاوت آن با گفتار عامیانه قشر بالا در این است که ورود به حوزه‌های غیرمجاز در قالب واژگان و عبارتهایی بیان می‌شود که بار ارزشی و ایدئولوژیک گفتمان مسلط را حمل می‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفت در گفتار عامیانه پایین شهر، مقاومت ایدئولوژیک و عامدانه در برابر ارزش‌های مسلط به چشم نمی‌خورد.

یافته‌ی تبیینی: فضای خرده فرهنگی جوانان با در اشتراک قرار دادن ارزش‌های جوانی، زمینه‌ی ظهور گزاره‌های خرده فرهنگی جدید و متفاوت از فرهنگ مسلط را فراهم می‌آورد. در این میان، با توجه به ۱- پویایی و تغییر پذیری سریع جوانان ۲- لذت‌گرایی جوانان ۳- کم‌رنگ شدن قدرت گفتمانی گزاره‌های دینی و جنسی مسلط در فضای خرده فرهنگی ۴- قدرت و توانایی بیشتر خرده فرهنگ قشر بالا در اشاعه‌ی معانی و ارزش‌های خرده فرهنگی خویش، می‌توان انتظار داشت که گفتار عامیانه قشر بالا با ویژگی و خصوصیت‌های مقاومت‌گونه‌ی خود، به مرور زمان دامنه‌ی وسیع‌تری از جوانان را در خود جای دهد.

گفتار عامیانه انتقادی

نوع گفتار عامیانه به کار رفته در برخی از وبلاگ‌ها، قابل قرارگیری در گفتار عامیانه قشر بالا یا پایین نمی‌باشد. این نوع از گفتار نه در مخالفت و مقاومت با گفتمان مسلط است و نه در پذیرش بی‌قید و شرط ایدئولوژی حاکم، بلکه با نقد ایدئولوژی گفتمان مسلط، زمینه‌ی تغییر و اصلاح را در چارچوب ارزشی گفتمان مسلط و حتی گاهی فراتر از آن فراهم می‌کند؛ به همین دلیل آن را گفتار عامیانه انتقادی نام نهادیم. در این نوع از گفتار عامیانه - برخلاف دو نوع قبل، از واژگان و عبارت‌های رکیک و تابویی (در حوزه‌ی روابط جنسی و اندام تناسلی) کمتر استفاده می‌شود و عبارت‌ها بیشتر به صورت کنایی - تشبیهی در قالب طنز است. گفتار عامیانه انتقادی توسط قشر جوانان روشنفکر و تحصیلکرده - به خصوص در حوزه‌ی مطبوعات جوانان، به کار می‌رود مانند گفتار عامیانه‌ای که در نشریه‌ی چلچراغ، نشریه‌ی همشهری جوان و یا در صفحه‌ی نسل سوم روزنامه‌ی کیهان، استفاده می‌شود. گفتار عامیانه انتقادی در حوزه‌ی گفتمان دینی، با از بین بردن فاصله‌ی بین امر مقدس و نامقدس، راهیابی به گزاره‌های ایدئولوژیک دینی و نقد آن، حوزه‌های غیرقابل دسترس و ممنوعه‌ی گفتمان دینی و مسلط را به چالش می‌کشد و زمینه‌ی ورود به آن‌ها را فراهم می‌آورد. این گفتار عامیانه فضایی را برای نفی طبیعی شدگی گزاره‌های گفتمان سیاسی، نقد قدرت ایدئولوژیک نظام سیاسی و فرصتی برای حضور گروه‌های حاشیه‌ای و فاقد قدرت فراهم می‌کند.

گفتار عامیانه و کارناوال

۷۷٪ از وبلاگ‌ها، با ویژگی‌های کارناوال در نظریه‌ی باختین مطابق بودند. بنابراین در پاسخ به این سوال پژوهش که آیا گفتار عامیانه، زبانی کارناوالی در برابر هنجارها و نظم مسلط است؟ می‌توان گفت کارناوالی بودن گفتار عامیانه با بیشترین درصد فراوانی، پاسخ اصلی پژوهش حاضر است. زبان جوانان با توجه به تغییرپذیری، هیجان‌خواهی و تنوع‌پذیری جوانی، خصلت کارناوالی می‌یابد. در متون تحلیل شده این کارناوال در دو سطح زبانی - واژگانی و معنایی اتفاق می‌افتد. در سطح زبانی،

قواعد دستوری و نحوی، قواعد ادبی و زیبایی شناختی با تقدم و تاخر و تغییر و جابجایی‌های دگرگونه در واژگان و جمله‌های زبان رسمی و معیار، عامدانه نقض می‌شود. در سطح معنایی نیز، ارزش‌های دارای قدرت گفتمان مسلط در حوزه‌های دین، جنسیت و نهاد‌های اجتماعی گفتمان حاکم در خانواده و مدرسه به چالش کشیده می‌شود. در فضای کارناوالی گفتار عامیانه، فرصتی برای رهایی از تمام یکنواختی‌ها، هنجارها و فشار اجتماعی، ایدئولوژی‌های رسمی، قدرت‌های مذهبی و دولتی فراهم می‌کند؛ فضایی برای خود بودگی، برای توجه به همه چیزهایی که در جامعه از آن منع شده است، فضایی که در آن امور تابویی و مقدس‌ترین امور دینی در دسترس همگان قرار می‌گیرد، فضایی برای خندیدن و لذت بردن. خنده‌ی کارناوالی خنده‌ای دو سویه است؛ از یک طرف تمسخر نظم و هنجارهای اجتماعی و از طرف دیگر تمسخر هر آنچه مربوط به خویش و ارزش‌های خصوصی خویش است. در فضای کارناوالی گفتار عامیانه لزوماً مخالفت و مقاومت ایدئولوژیک رخ نمی‌دهد.

لذت مندرج در گفتار عامیانه، لذتی قطعی و پایدار نیست. بلکه لذتی در جریان است. لذتی نامتعارف و غیر اجتماعی که در قالب گفتار عامیانه بیان می‌شود. این لذت با خصوصیت‌های ضداجتماعی و نامتعارف خود نمی‌تواند در چارچوب زبان رسمی و سلطه‌گرایی گفتمان مسلط بیان شود بلکه در قالب گفتار عامیانه با نقض سیطره‌های دینی، عرفی، هنجاری و مرکزیت نیازهای مادی و جسمانی به منصفی ظهور می‌رسد و گفتار عامیانه از طریق مبتذل‌سازی، زمینه ساز ظهور لذت می‌گردد.

در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که ما با گفتاری رو به رو هستیم که اولاً همه‌ی جوانان به آن زبان صحبت نمی‌کنند و در خرده فرهنگ‌های خاصی از جوانان استفاده می‌شود و دوماً در این خرده فرهنگ خاص نیز، گفتار عامیانه به صورت یکدست و در فضایی مشابه به کار نمی‌رود و نمی‌تواند کارکرد یکسانی برای آن در نظر گرفت، کارکرد آن بسته به فضایی است که در آن قرار می‌گیرد.

به طور کلی گفتار عامیانه، زبانی کارناوالی است که با درهم شکستن نظم و هنجارهای اجتماعی، فرصتی را برای رهایی از چارچوب گفتمان مسلط جامعه فراهم می‌کند. این زبان با تمرکز بر لذتی کارناوالی، دال بر فضایی خرده فرهنگی است که لذت را نه در چارچوب نظم حاکم، بلکه با شکستن این نظم، به سخره گرفتن این نظم و نهادهای انتظام بخش و خنده‌ی حاصل از این درهم شکستن می‌جوید.

منابع

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- آلن، گراهام (۱۳۸۰)، *بینامتنیت*، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- احمدی، بابک (۱۳۷۲)، *ساختار و تاویل متن: نشانه شناسی و ساختارگرایی*، تهران: نشر مرکز
- اسکندری، حسین (۱۳۸۳)، *بررسی اسنادی خرده فرهنگ‌های جوانان در شهر تهران*، تهران: سازمان ملی جوانان

سازمان ملی جوانان (۱۳۸۳)، *خرده فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی جوانان در شهر تهران*، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.

پیلکینگتون، هیلاری (۱۳۸۰)، *فرهنگ جوانان روسیه: سازندگان و ساخته شدگان یک ملت*، ترجمه حسین ملانظر و علی اکبر تاج مزینانی، تهران: نسل قلم (انتشارات سازمان ملی جوانان).
تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، *گفتمان، پادگفتمان و سیاست*، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

تودوروف، تروتان (۱۳۷۷)، *منطق گفتگویی میخائیل باختین*، ترجمه داریوش کریمی، تهران: نشر مرکز.
خانیکی، هادی (۱۳۸۱)، *گفت و گوی تمدن‌ها و ارتباطات بین‌المللی* (بررسی زمینه‌های عینی و ذهنی در سه دهه پایانی قرن بیستم)، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، پایان نامه دکترا، علوم ارتباطات.

سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان* (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)، تهران: نشرنی.

ذکایی، محمد سعید و زهرا پورغلام آرانی، *خرده فرهنگ یا مصرف فرهنگی: پژوهشی در بین دختران دانش آموز شهر تهران* (۱۳۸۴)، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال اول، شماره ۴.

ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی جوانان ایران*، تهران: نشر آگه.
عزید فتری، بهروز (۱۳۸۰)، دربارهٔ باختین، آثار و اندیشه‌های او، *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، سال ۵، شماره ۴ و ۵، سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته پیران ... و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

گاردینر، مایکل، تخیل معمولی باختین، ترجمه یوسف ابادری، *فصلنامه ارغنون*، شماره ۲۰، سال ۱۳۸۱.
لچت، جان (۱۳۷۷)، *پنجاه متفکر بزرگ معاصر: از ساختارگرایی تا پسامدرنیته*، ترجمه محسن حکیمی، تهران: نشر خجسته.

مک دانل، دایان (۱۳۸۰)، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*، ترجمه حسینعلی نودری، تهران: فرهنگ گفتمان.

Bucholz, Mary (2001), *Social Meanings of Slang in California Youth Culture*, Texas A&M University.

Rodman, Robert & Victor Fromkin (1988), *An Interaction to Language*, Saunders College.

Eble, Connie (1996), *Slang and Sociability: In- Group Language among College Students*, University of North Carolina Press, Reviewed by Felix Rodriguez Gonzalez (1998), Sage Publications.